

بازار دخانیات ایران در سیطره قاچاق، فروشگاه‌های بی‌مجوز و افزایش مصرف جوانان

چرخش قاچاقچیان از مرز به موبایل

نیمی از بازار ۶۰ هزار میلیارد تومانی دخانیات ایران در اختیار کالای قاچاق یا فروشگاه‌های بی‌مجوز آنلاین است **صفحه ۳**



گزارش هفت صبح از موج نگران‌کننده پیری و کاهش جمعیت در ایران

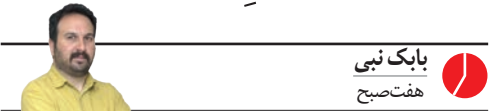
ویلچرها را آماده کنید

- ۱۱/۵ درصد جمعیت ایران سالمندند و پیش‌بینی می‌شود این رقم تا سال ۱۴۲۰ به ۲۰ درصد برسد
- پیش‌بینی‌ها می‌گویند تا ۸۰ سال آینده جمعیت ایران ۳۵ میلیون نفر و افغانستان در همسایگی ما به ۲۵۰ میلیون نفر می‌رسد

صفحه ۹

یادداشت

درستایش یاقوت سرخ روایتگر خاموش تهران



بابک نبی
هفت‌صبح

تهران شهری است که خاطر ایش را می‌بلعد. انگار ما ایرانیان قراردادی نانوشته با فراموشی بسته‌ایم. قدم که می‌زنی، دیوارها داستان‌هایشان را پنهان و خیابان‌ها زمزمه‌های گذشته را در هیاهوی امروز گسم می‌کنند اما گاهی، چهره‌هایی در این شهر فراموشکار، سرسخانه به یاد آوردن را ادامه می‌دهند. «تاسیان» با تمام ایراداتی که به آن وارد است اما درجای‌های گشوده به روی بخشی از تاریخ شفاهی‌مان، سریالی که با وجود ضعف‌های فنی و محتوایی، کاری را انجام می‌دهد که در فضای رسانه‌ای امروز کمتر دیده می‌شود: روایت آنچه رسماً روایت نشده است. آنچه در این میان جذاب است، تلاش تینا پاکروان برای زنده نگه‌داشتن خاطرات تاریخی ماست. از همان تیتراژ آغازین که ادای دینی ظریف به ماهی سیاه کوچولو است، تا همین قسمت آخر که قصه یاقوت را در حافظه جمعی ما احیا کرده، نشان از دغدغه‌ای دارد که فراتر از سرگرمی محض است. یاقوت را به یاد می‌آورید؟ همان زن سرخ‌پوش که سه دهه، هر روز در سکوئی رازآلود با ردایی به رنگ خون، در گوشه شمال شرقی میدان فردوسی می‌ایستاد. از او چه می‌دانیم جز نجوای‌های مردمی؟ می‌گویند عاشق بود، می‌گویند چشم به راه بود، می‌گویند روزی بی‌خبر، محو شد. او تبدیل شد به تمثالی از صبر، استقامت و تنهایی در کلاتشهری که گاه حتی سایه‌ها را هم فراموش می‌کند. یاقوت نه فقط یک زن که خود تهران بود. این سرال، شمایل یاقوت را از لایه‌لای غبار خاطره‌ها بیرون کشیده و آن را به زبانی امروزی برای نسلی ترجمه کرده که شاید هرگز نام یاقوت به گوش‌شان نخورده باشد. این کار، با وجود اجرای نه‌چندان قدرتمندش، قدمی است در مسیر احیای خاطرات جمعی. آری، در این مسیر، لغزش‌هایی در بازی‌ها می‌بینیم، فیلمنامه‌گاه دچار ناهمواری می‌شود و طراحی صحنه‌ها چندان قانع‌کننده نیست اما مگر نه اینکه خاطره زنده کردن، هنری است فراتر از تکنیک؟ مگر نه آنکه روح شهرها را همین روایت‌های کوچک و گمشده زنده نگه می‌دارند. در زمانه‌ای که حافظه جمعی ما از تکرار تصاویر ساختگی به سرگیجه افتاده، همین اشاره ظریف به گوشه‌ای از حقیقت‌های فراموش شده، چون شمع است در تاریکی. مثل دفتری کهنه که وقتی ورق می‌زنی، هنوز بوی مرکب قدیمی می‌دهد و تو را به سفری در زمان می‌برد. فراموش نکنیم: در جهانی که فراموشی جریان غالب است، هر تلاشی برای به‌یاد آوردن، حتی اگر ناپخته و با اجرایی متوسط باشد، باز هم ارزشمند است. و چه می‌دانیم، شاید فردا، کسی دیگر بر خیزد _ شاید با دستی توانا _ تا داستان دیگری را از دل میدان‌ها و کوچه‌های شهر بیرون بکشد و به ما یادآوری کند که ما فقط در لحظه حال زندگی نمی‌کنیم، وارثان تمام خاطراتی هستیم که پیش از ما در این شهر جریان داشته‌اند.

گزارش

فروش ۶۵۶ میلیارد تومانی درماراتن کتاب تهران

گزارشی از آخرین روز نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران؛ رکوردها، ارقام و وعده‌ها

سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی کشور، در حالی به ایستگاه پایانی خود رسید که با ثبت فروش ۶۵۶ میلیارد و ۷۲۲ میلیون تومان، یک جهش قابل توجه نسبت به دوره‌های قبل را رقم زد.



۶۵۶ میلیارد تومان، عددی است که مجموع فروش نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در سال ۱۴۰۴ را به تصویر می‌کشد؛ عددی رکوردشکن که از رشد استقبال عمومی از کتاب حکایت دارد.

۳۶۴ میلیارد و ۹۵۹ میلیون تومان سهم فروش بخش مجازی از این رقم کلان بود (البته این رقم تا ساعت ۱۳ روز ۲۷ اردیبهشت است و احتمالاً تا ساعت پایانی به میزان این رقم افزوده خواهد شد). عددی که از افزایش ۳۸ درصدی فروش مجازی نسبت به سال گذشته حکایت دارد و نشان می‌دهد خرید آنلاین کتاب دیگر به یک عادت فرهنگی بدل شده است.

۲۹۱ میلیارد تومان نیز سهم فروش بخش حضوری نمایشگاه بود. عددی که با وجود گرمای هوا، ازدحام جمعیت و محدودیت‌های حمل‌ونقل شهری همچنان رقم قابل توجهی است.

۳۸ درصد افزایش فروش مجازی در مقایسه با سال گذشته دیده می‌شود. این آمار نشان از تغییر رفتار خرید کتاب در جامعه ایرانی است که حالا بیش از گذشته به سمت فضای دیجیتال حرکت می‌کند.

۱ میلیون و ۴۲۲ هزار و ۱۶۳ نسخه کتاب در بخش مجازی فروخته شد. آماری که نشان می‌دهد علاقه‌مندان به کتاب از سراسر ایران و حتی نقاط دورافتاده هم در این جشن بزرگ فرهنگی سهم داشته‌اند.

۳۵۰ هزار جلد کتاب تنها در دو روز پنجشنبه و جمعه فروش رفت. رقمی که ارتباط مستقیم با اختصاص یارانه فرهنگی و استقبال مردم از خرید یارانه‌ای دارد.

۲۰۰ میلیارد تومان یارانه برای خرید کتاب در نمایشگاه امسال اختصاص داده شد. این یارانه هم شامل دانشجویان و طلاب بود و هم معلمان، اساتید دانشگاه و عموم علاقه‌مندان به کتاب.

۱۰ میلیارد تومان نیز به کتاب‌فروشی‌ها اختصاص یافت تا آن‌ها نیز در این چرخه پویای فرهنگی، حیات اقتصادی خود را حفظ کنند و همچنان به فعالیت ادامه دهند.

۲ میلیون تومان سقف خرید هر فرد با تخفیف ۲۰ درصدی بود که در قالب یارانه در اختیار بازدیدکنندگان قرار گرفت.

رقمی که مشوقی موثر برای افزایش سرانه خرید کتاب به‌شمار می‌رود.

۴۰۰ هزار گوشی همراه در عصر یکی از روزهای نمایشگاه تنها در ساعت ۱۷:۱۵ دقیقه در محوطه مصلی ثبت شدند. عددی که به روشنی حجم بالای بازدیدکنندگان حضوری را نشان می‌دهد.

۳ روز برای برگزاری برنامه بین‌المللی «فلوشیپ نشر تهران» در نظر گرفته شد. فرصتی که ناشران خارجی و داخلی در آن توانستند پیش‌قراردادهای موثری برای همکاری‌های فرهنگی امضا کنند.

۳۶ دوره از برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران می‌گذرد. یکی از قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین رویدادهای فرهنگی کشور که هر سال بر گستره و کیفیت آن افزوده می‌شود.

۲۷ اردیبهشت پایان نمایشگاه بود. اما بسیاری از ناشران و خریداران خواهان تمدید آن بودند، چرا که هنوز بازدید از نمایشگاه کتاب و دیدار با نویسندگان و مترجمان فروکش نکرده بود.

۱۷ اردیبهشت آغاز نمایشگاه بود؛ روزی که مصلی امام

خمینی (ره) بار دیگر میزبان هزاران ناشر داخلی و خارجی شد و غرفه‌های پس از دیگری رنگ و بوی کتاب گرفتند.

۲۰۰ نهاد و سازمان از جمله خریداران عمده کتاب در نمایشگاه بودند؛ این نهادها سهم مهمی در افزایش فروش و توزیع کتاب در ادارات، کتابخانه‌ها و مراکز آموزشی دارند.

۳۶۴ میلیارد و ۹۵۹ تومان فروش آنلاین نه‌تنها فروش بود، بلکه یک رأی قاطع به آینده کتاب در فضای مجازی است. آینده‌ای که باید زیرساختی قوی‌تر، سریع‌تر و عادلانه‌تر داشته باشد.

۲۹۱ میلیارد تومان فروش حضوری نشان داد که هنوز هم دیدن کتاب، ورق زدن آن و شنیدن صدای نویسنده در نشست‌های فرهنگی، لذتی دارد که هیچ فضای دیجیتالی نمی‌تواند آن را جایگزین کند.

● سامانه مجازی به‌دستِ bookicfiir امکان خرید کتاب از نمایشگاه را برای علاقه‌مندان در سراسر کشور فراهم کرد. تجربه‌ای موفق که حالا به یک ابزار دائمی برای نشر تبدیل شده است.

واکاوی واکنش شگفت‌انگیز هواداران استقلال به شکست تیمشان برابر سپاهان که روانشناسان آن را شادان‌فرونده یا رقابت خودویرانگرانه می‌نامند

ما باختیم اما آنها هم نبردند

- شادان‌فرونده در علم روانشناسی به معنی لذت بردن از شکست یا رنج دیگران است
- هواداران استقلال در جریان شکست مقابل سپاهان، به دلیل راه نیافتن بر سیولیس به لیگ نخبان آسیا شادی کردند

صفحه ۱۱



بررسی تغییرات مدیریتی در شبکه کتاب پس از تغییر دولت جالش‌ها، وعده‌ها و نیاز به شفافیت و شایسته‌سالاری

خانه کتاب، آینه تغییر دولت‌ها

مجیدشمس‌الدین نژاد، مدیر شبکه کتاب: به دنبال کمیت نیستیم!

صفحه ۵

افزایش شدید درآمد بیمه‌ها در مقابل کاهش سهم پرداخت خسارت به مردم

بیمه‌ها پولدارتر شده‌اند اما کمتر خسارت می‌دهند

- فروردین ۱۴۰۴، بیمه‌ها ۵۱ هزار میلیارد تومان حق بیمه دریافت کردند تنها ۳۸ درصد از این درآمد به صورت خسارت به مردم بازگشت
- رشد درآمد بیمه‌ها ۱۶۵ درصد بود، اما رشد پرداخت خسارت فقط ۱۱۰ درصد

صفحه ۳



هفت بازی ترسناک برتر جهان

دنیای وحشت هرگز تا این اندازه خلاق، هیجان‌انگیز و نفسگیر نبوده؛ این گزارش شما را با دلهره‌سازترین عناوین پنج سال اخیر آشنا می‌کند

صفحه ۸

مرد میانسال در درگیری خانوادگی فرزند معتاد خود را به قتل رساند

می‌خواست مادرش را بزند کشتمش!

مادر مقتول اظهار داشت فرزند خطاکارش باعث آزار خانواده بوده و از خون او گذشت

صفحه ۷



افشای زمین‌خواری خودروساز، هتل ولنجک، فروش برند شهروند، نمایشگاه تهران، خواهرخواندگی، فساد و ایمنی در نشست پرحاشیه علیرضا زاکانی

روز داغ آقای شهردار

- زاکانی در پاسخ به پرسش هفت صبح: دنبال شفافیت هستیم، نه پنهان‌کاری
- برند شهروند را به جای ۶۰۰ میلیارد ۱ میلیارد تومان فروختند

صفحه ۶

مرز آشوب

تمجید ترامپ از نهادهای ایرانی بار دیگر طرح حمله پهبادی به کارتل‌های مکزیکی را به صدر اخبار آورده است

صفحه ۱۰

روایت جنگ و سیاست در دنیای بازی‌های ویدیویی

تو فقط بازی نمی‌کنی

در میدان سیاست می‌جنگی

تحلیل نقش روایت‌پردازی و سیاست در بازی‌های ویدیویی

صفحه ۲





نقدی بر وعده‌های خورشیدی

گروه سیاست | این روزها که کشور با چالش‌های جدی در حوزه انرژی، اقتصاد و مدیریت روبه‌روست، شنیدن آمارهای غیرواقعی و وعده‌های بی‌پشتوانه از زبان برخی مسئولان و نمایندگان، بیش از پیش باعث دلخوری و سردرگمی مردم شده است. از یک سو گزارش‌های رسمی که به نظر می‌رسد برای رفع تکلیف ارائه می‌شود، فاقد تحلیل درست و اطلاعات شفاف است و از سوی دیگر برخی نمایندگان، آمارهایی ارائه می‌دهند که نه تنها واقعیت را منعکس نمی‌کند بلکه موجب گمراهی افکار عمومی می‌شود.

نمونه بارز این موضوع را می‌توان در آمارهای مطرح شده توسط مسعود پزشکیان مشاهده کرد. وقتی او ادعا می‌کند ایران‌شان ۵ تا ۶ برابر کشورهای توسعه‌یافته برق مصرف می‌کنند، این اعداد بسا واقعیت‌های جهانی و آمار رسمی کاملاً در تضاد است. مصرف برق در ایران، با توجه به زیرساخت‌ها و سطح توسعه صنعتی و اقتصادی، چنین شکافی ندارد بلکه در بسیاری موارد پایین‌تر یا مشابه کشورهای در حال توسعه است. این گونه اظهار نظر‌ها جز ایجاد اضطراب و بدبینی برای مردم چه فایده‌ای دارد؟

موضوع دیگر وعده‌های مربوط به نصب برق خورشیدی است. پزشکیان وعده داده بود که تا قبل از شروع روزهای گرم امسال ۲۰ گیگاوات برق خورشیدی در کشور نصب خواهد شد؛ وعده‌ای که حتی یک پنجاهم آن هم تحقق نیافته است. این فاصله بزرگ میان وعده و عمل، نشان دهنده ضعف برنامه‌ریزی و یا گاهی صرفاً جملات نمایشی است که به جای امید، ناامیدی را در دل مردم

بیشتر می‌کند.

این حرف‌های پزشکیان، یادآور برخی گزارش‌هایی است که رئیس‌جمهور فقید ارائه کرد و حاوی اعداد و ارقامی «نادقیق» بوده. آماري که به نظر می‌رسد بیشتر برای بر کردن گزارش‌ها تهیه شده‌اند. گزارش‌هایی که در آنها مشکلات واقعی مثل کمبود برق، ضعف در اجرای پروژه‌های انرژی نو و چالش‌های اقتصادی کمتر دیده می‌شود و بیشتر بر موفقیت‌های ظاهری و شعارهای بی‌پشتوانه تأکید می‌گردد.

نتیجه این ترکیب نامناسب، یعنی گزارش‌های پر از عدد و رقم‌های نادرست همراه با وعده‌های بی‌اساس، کاهش اعتماد عمومی است. مردم وقتی نمی‌توانند میان حرف مسئولان و واقعیت‌های روزمره خود ارتباط منطقی برقرار کنند، احساس می‌کنند که صدای کارشناسان شنیده نمی‌شود و اطلاعات واقعی در اختیار مردم قرار نمی‌گیرد.

برای خروج از این وضعیت، نیازمند شفافیت، صداقت و ارائه گزارش‌های دقیق و مبتنی بر واقعیت هستیم؛ چه در سطوح عالی مدیریتی کشور و چه در میان نمایندگان مردم. مردم لیاقت شنیدن آمارهای درست و دقیق را دارند، حتی اگر تلخ باشد، چرا که تنها با آگاهی واقعی در مسیر توسعه و پیشرفت همراه می‌شوند. دولت هم می‌تواند بر اساس انتقادات سازنده، برنامه‌های خود را بهبود دهد.

اعتماد عمومی سرمایه‌ای گرانبها و شکننده است که با عملکرد مسئولان به سرعت ساخته یا ویران می‌شود. در شرایط کنونی که کشور با چالش‌های فراوانی در حوزه‌های انرژی، اقتصاد و مدیریت مواجه است، هیچ چیز به اندازه شفافیت و صداقت، برای بازسازی این سرمایه مفید نیست. مردم حق دارند بدانند واقعیت‌های موجود چیست و سیاست‌گذاران باید پاسخگو باشند؛ نه این که با آمارهای نادرست و وعده‌های بی‌پشتوانه، ذهن جامعه را مشوش کنند و امید را از آنها بگیرند.

اعتماد عمومی، پیوندی است بین دولت و ملت که بدون آن، هیچ طرح و برنامه‌ای به سرانجام مطلوب نمی‌رسد. وقتی گزارش‌هایی ارائه می‌شود که با واقعیت فاصله دارد، یا وعده‌هایی داده می‌شود که تحقق آنها دور از دسترس است، نتیجه چیزی جز ناامیدی و بی‌اعتمادی نخواهد بود. این روند، جامعه را نسبت به آینده بدبین می‌کند و امکان نقد سازنده و اصلاح مسیر را نیز محدود می‌سازد.

ضروری است که مسئولان در همه سطوح از رئیس‌جمهور تا نمایندگان مجلس، واقعیت‌ها را همان گونه که هست بازگو کنند و به جای ارائه گزارش‌های نمایشی با آمارهای نادرست، به فکر راه‌حل‌های عملی و شفاف باشند. این صداقت و شفافیت، موجب تقویت اعتماد مردم می‌شود و به دولت کمک می‌کند تا بتواند با مشارکت جامعه و نخبگان، برنامه‌های خود را بهبود داده و به هدف‌های توسعه‌ای نزدیک‌تر شود.

مردم ایران شایسته این هستند که صداقت را در سخنان منتخبان خود ببینند و به جای وعده‌های بی‌پشتوانه، برنامه‌هایی ملموس و قابل پیگیری دریافت کنند. با چنین رویکردی می‌توان امید را در دل جامعه زنده نگه داشت و گام‌های مؤثری در مسیر توسعه کشور برداشت. در غیر این صورت، شکاف بین دولت و ملت روز به روز بیشتر شده و مشکلاتی که امروز با آن مواجهیم، به بحران‌هایی عمیق‌تر و ناپایدار تبدیل خواهد شد.

صداقت در گزارش‌دهی و صداقت در وعده دادن، یک وظیفه اخلاقی و یک ضرورت راهبردی است که به پیشرفت و آرامش جامعه کمک می‌کند. به امید روزی که همه مسئولان، فشارغ از جایگاه و سمت، در قبال مردم و حقیقت پاسخگو باشند و کشور را به سوی آینده‌ای روشن‌تر هدایت کنند.

روایت جنگ و سیاست در دنیای بازی‌های ویدیویی

توفیق بازی نمی‌کنی در میدان سیاست می‌جنگی

تحلیل نقش روایت‌پردازی و سیاست در بازی‌های ویدیویی

الهه کاکایی
هفت صبح



بازی‌های ویدیویی امروز به‌مانند دیگر رسانه‌های فرهنگی، میدان جذابی برای طرح روایت‌ها و ایدئولوژی‌ها هستند. این حوزه پر مخاطب و تعاملی، برخلاف رسانه‌های سینمایی و تلویزیونی که مخاطب را صرفاً تماشاچی نگاه می‌دارند، بازیکن را در نقش قهرمان داستان قرار می‌دهد؛ کاری که می‌تواند عمق تأثیرگذاری پیام‌ها و مفاهیم سیاسی را چند برابر کند. برخی گزارش‌ها نشان می‌دهند بیش از ۳۰ میلیون نفر در سراسر جهان بخش مهمی از اوقات فراغت خود را با بازی‌های رایانه‌ای می‌گذرانند و در ایران نیز حدود ۵۶ درصد از جوانان علاقه‌مند این بازی‌ها هستند.

روایت جنگ و قدرت در بازی‌های جهانی

بسیاری از بازی‌های جهانی پرفروش مستقیماً به جنگ، قدرت و هژمونی می‌پردازند. برای مثال، مجموعه Call of Duty با مأموریت‌ها و نبرد‌هایی را روایت می‌کند که در آن کاربر نقش یک تکاور نظامی قدرتمند غربی را برعهده دارد. تحلیل گران محتوا معتقدند اغلب این آثار «ارزش‌ها و اهداف سیاسی غربی را به‌عنوان هدف اخلاقی اصلی» بر جسته می‌کنند. به‌طور معمول در این بازی‌ها «بازیکن به‌جای تماشاچی، خود به ایفای نقش یک سرباز شجاع غربی می‌پردازد و هدفی جز مبارزه با تروریست‌ها و نجات بشریت ندارد.» در چنین روایت‌هایی، حمله به مراکز دشمن و نمایش قهرمانانه سرباز آمریکایی عادی می‌شود و آمریکا نمادی از خیر نهایی جلوه داده می‌شود. در نقطه مقابل، برخی بازی‌ها نگاهی انتقادی‌تر به جنگ دارند. برای مثال This War of Mine جزو متفاوت‌ترین آثار جنگی است؛ چرا که به جای قهرمان‌سازی، زندگی تلخ و مظلومانه شهروندان عادی یک شهر جنگ‌زده را به تصویر می‌کشد. در این بازی، بازیکن گروهی از بازماندگان را هدایت می‌کند که باید برای زنده ماندن منابع اندک را مدیریت کرده و با تصمیمات اخلاقی دشوار روبه‌رو شوند. منتقدان می‌گویند این بازی به‌خوبی نشان می‌دهد «هیچ چیز خوشحال‌کننده‌ای در جنگ وجود ندارد» و کاربر را با تلخی جنگ و آسیب‌های انسانی آن روبه‌رو می‌کند. با این تفاوت که در یک سوی جبهه شما یک قهرمان مسلح هستید و در سوی دیگر بازی‌هایی مثل This War of Mine ماهیت شکست‌خورده و آسیب‌پذیر جنگ را بازگو می‌کند.

بازی «سفیر عشق» نیز نگاهی مذهبی تاریخی به جنگ دارد. در این اثر اکشن سوم شخص، بازیکن نقش مه‌ران را برعهده می‌گیرد؛ جوانی ایرانی و یارارن وفادار امام حسن (ع) که پس از خیانت برخی هم‌زمان، همچنان از اصول خود دفاع کرده و در منتهی‌الیه جنگ کربلا شمشیر می‌زند.

«سفیر عشق» با تأکید بر عشق به اهل‌بیت و مقاومت در برابر ستم، سعی می‌کند مفاهیم ایثار و آزادگی را در لایه‌های تاریخی و ملی منتقل کند. هم‌زمان، همچنان از اصول خود دفاع کرده و در منتهی‌الیه جنگ کربلا شمشیر می‌زند. «سفیر عشق» با تأکید بر عشق به اهل‌بیت و مقاومت در برابر ستم، سعی می‌کند مفاهیم ایثار و آزادگی را در لایه‌های تاریخی و ملی منتقل کند.

در بازی «انتقام» (Revenge) نیز، روایت فرض می‌شود که یک نیروی پهلادی بین‌المللی به رهبری ایران شکل می‌گیرد تا در جنگ جهانی سوم با ارتش آمریکا مقابله کند. این گونه تولیدات داخلی با برجسته کردن قهرمانان جنگ را بازگو می‌کند.

بازی‌های ایرانی: مبارزه و مقاومت در بوم ملی

نقش جنگ، مقاومت و ارزش‌های بومی در بازی‌های ایرانی نیز واضح است. یکی از نمونه‌های بارز، «مبارزه در خلیج عدن» است که به سفارش نیروی دریایی ساخته شد. در این بازی اول‌شخص، بازیکن نقش یک تکاور نیروی دریایی ایران را برعهده دارد که باید کشتی‌های دزدان دریایی را نجات داده و گروگان‌ها را آزاد کند. این عنوان، به‌عنوان «اولین بازی ویدیویی ارتش جمهوری اسلامی» شناخته می‌شود، چندین ماهویت مختلف

ملی و جغرافیا و نمادهای مربوط به مقاومت، می‌کوشند داستانی متناسب با هویت ملی ایران ارائه دهند و انگیزه‌های دفاع از میهن را در قالب سرگرمی‌های تعاملی ترویج کنند. جلوه داده می‌شود.

نمونه دیگر «عصر پادشاهان» است؛ یک بازی استراتژیک آنلاین تاریخی‌نظامی رایگان. در این بازی، بازیکنان نقش فرماندهانی را دارند که باید با ساخت یک امپراتوری قدرتمند و ارتشی عظیم، به نبرد با رقبای جهانی می‌پردازند. «عصر پادشاهان» هرچند روایت مشخص معاصر ندارد، اما مفاهیمی مانند اتحاد و رقابت ملت‌ها را از طریق جنگ‌های دوره‌ای و ثبت قهرمانان در «کتابخانه جوادان» به تصویر می‌کشد. این بازی تلاش می‌کند با گسترش ایده پیروزی در جنگ و ایجاد رقابت جهانی، حال و هوای حماسی در ذهن بازیکن ایرانی ایجاد کند.

بازی «سفیر عشق» نیز نگاهی مذهبی تاریخی به جنگ دارد. در این اثر اکشن سوم شخص، بازیکن نقش مه‌ران را برعهده می‌گیرد؛ جوانی ایرانی و یارارن وفادار امام حسن (ع) که پس از خیانت برخی هم‌زمان، همچنان از اصول خود دفاع کرده و در منتهی‌الیه جنگ کربلا شمشیر می‌زند. «سفیر عشق» با تأکید بر عشق به اهل‌بیت و مقاومت در برابر ستم، سعی می‌کند مفاهیم ایثار و آزادگی را در لایه‌های تاریخی و ملی منتقل کند.

در بازی «انتقام» (Revenge) نیز، روایت فرض می‌شود که یک نیروی پهلادی بین‌المللی به رهبری ایران شکل می‌گیرد تا در جنگ جهانی سوم با ارتش آمریکا مقابله کند. این گونه تولیدات داخلی با برجسته کردن قهرمانان جنگ را بازگو می‌کند.

در بازی «انتقام» (Revenge) نیز، روایت فرض می‌شود که یک نیروی پهلادی بین‌المللی به رهبری ایران شکل می‌گیرد تا در جنگ جهانی سوم با ارتش آمریکا مقابله کند. این گونه تولیدات داخلی با برجسته کردن قهرمانان جنگ را بازگو می‌کند.

در بازی «انتقام» (Revenge) نیز، روایت فرض می‌شود که یک نیروی پهلادی بین‌المللی به رهبری ایران شکل می‌گیرد تا در جنگ جهانی سوم با ارتش آمریکا مقابله کند. این گونه تولیدات داخلی با برجسته کردن قهرمانان جنگ را بازگو می‌کند.

در بازی «انتقام» (Revenge) نیز، روایت فرض می‌شود که یک نیروی پهلادی بین‌المللی به رهبری ایران شکل می‌گیرد تا در جنگ جهانی سوم با ارتش آمریکا مقابله کند. این گونه تولیدات داخلی با برجسته کردن قهرمانان جنگ را بازگو می‌کند.

در بازی «انتقام» (Revenge) نیز، روایت فرض می‌شود که یک نیروی پهلادی بین‌المللی به رهبری ایران شکل می‌گیرد تا در جنگ جهانی سوم با ارتش آمریکا مقابله کند. این گونه تولیدات داخلی با برجسته کردن قهرمانان جنگ را بازگو می‌کند.

در بازی «انتقام» (Revenge) نیز، روایت فرض می‌شود که یک نیروی پهلادی بین‌المللی به رهبری ایران شکل می‌گیرد تا در جنگ جهانی سوم با ارتش آمریکا مقابله کند. این گونه تولیدات داخلی با برجسته کردن قهرمانان جنگ را بازگو می‌کند.

در بازی «انتقام» (Revenge) نیز، روایت فرض می‌شود که یک نیروی پهلادی بین‌المللی به رهبری ایران شکل می‌گیرد تا در جنگ جهانی سوم با ارتش آمریکا مقابله کند. این گونه تولیدات داخلی با برجسته کردن قهرمانان جنگ را بازگو می‌کند.

در بازی «انتقام» (Revenge) نیز، روایت فرض می‌شود که یک نیروی پهلادی بین‌المللی به رهبری ایران شکل می‌گیرد تا در جنگ جهانی سوم با ارتش آمریکا مقابله کند. این گونه تولیدات داخلی با برجسته کردن قهرمانان جنگ را بازگو می‌کند.

در بازی «انتقام» (Revenge) نیز، روایت فرض می‌شود که یک نیروی پهلادی بین‌المللی به رهبری ایران شکل می‌گیرد تا در جنگ جهانی سوم با ارتش آمریکا مقابله کند. این گونه تولیدات داخلی با برجسته کردن قهرمانان جنگ را بازگو می‌کند.

در بازی «انتقام» (Revenge) نیز، روایت فرض می‌شود که یک نیروی پهلادی بین‌المللی به رهبری ایران شکل می‌گیرد تا در جنگ جهانی سوم با ارتش آمریکا مقابله کند. این گونه تولیدات داخلی با برجسته کردن قهرمانان جنگ را بازگو می‌کند.

در بازی «انتقام» (Revenge) نیز، روایت فرض می‌شود که یک نیروی پهلادی بین‌المللی به رهبری ایران شکل می‌گیرد تا در جنگ جهانی سوم با ارتش آمریکا مقابله کند. این گونه تولیدات داخلی با برجسته کردن قهرمانان جنگ را بازگو می‌کند.

در بازی «انتقام» (Revenge) نیز، روایت فرض می‌شود که یک نیروی پهلادی بین‌المللی به رهبری ایران شکل می‌گیرد تا در جنگ جهانی سوم با ارتش آمریکا مقابله کند. این گونه تولیدات داخلی با برجسته کردن قهرمانان جنگ را بازگو می‌کند.

در بازی «انتقام» (Revenge) نیز، روایت فرض می‌شود که یک نیروی پهلادی بین‌المللی به رهبری ایران شکل می‌گیرد تا در جنگ جهانی سوم با ارتش آمریکا مقابله کند. این گونه تولیدات داخلی با برجسته کردن قهرمانان جنگ را بازگو می‌کند.

در بازی «انتقام» (Revenge) نیز، روایت فرض می‌شود که یک نیروی پهلادی بین‌المللی به رهبری ایران شکل می‌گیرد تا در جنگ جهانی سوم با ارتش آمریکا مقابله کند. این گونه تولیدات داخلی با برجسته کردن قهرمانان جنگ را بازگو می‌کند.

می‌توان گفت بازی‌ها و سیاست در یک چرخه تأثیرپذیری قرار دارند. کشورهای قدرتمند از بازی‌ها برای انتقال روایت خود استفاده می‌کنند و از سوی دیگر تولیدات محلی سعی می‌کنند با روایت‌هایی بومی و محور مقاومت، مقابل

تهاجم ایدئولوژیک ایستادگی کنند

ایستادگی کنند

ایستادگی کنند

ایستادگی کنند

ایستادگی کنند

ایستادگی کنند

ایستادگی کنند

ایستادگی کنند

ایستادگی کنند

ایستادگی کنند

ایستادگی کنند

ایستادگی کنند

ایستادگی کنند

ایستادگی کنند

ایستادگی کنند

ایستادگی کنند

ایستادگی کنند

ایستادگی کنند

ایستادگی کنند

ایستادگی کنند

ایستادگی کنند

ایستادگی کنند

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

هولناکی‌های جنگ و نیاز به همدلی آشنا شوند.

پوریا اخواص قطعاتی از آلبوم «افق مهر» را باز خوانی کرد

بازخوانی یک میراث

در آیینی که به مناسبت بزرگداشت استاد پرویز مشکاتیان برگزار شد، یکی از واپسین آثار این آهنگساز جریان ساز موسیقی ایران از آلبوم «افق مهر» که پیش تر با صدای «ایرج بسطامی» منتشر شده بود، توسط پوریا اخواص اجرا شد. این خواننده قطعاتی از این آلبوم ماندگار را باز خوانی کرد تا نشان دهد برخلاف جریان های پرهیاهوی موسیقی امروز ایران، همچنان منطق موسیقایی استاد مشکاتیان در این سرزمین جریان دارد.

پرویز مشکاتیان؛ خنیاگر

اندوه و شکوه

پرویز مشکاتیان، موسیقیدان، آهنگ ساز، نوازنده برجسته سنتور و یکی از ارکان بی‌بدیل موسیقی کلاسیک ایرانی است. هنرمندی که رد انگشتانش بر تار و پود هویت موسیقایی این سرزمین باقی مانده است. او در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۳۴ در نیشابور زاده شد. زادگاهی که نفس‌های عطار و خیام در هوایش جاری است. از همان سنین نوجوانی، استعداد شگرفش در نواختن سنتور و درک عمیقش از ردیف دستگاهی، نوید تولد نامی ماندگار را می‌داد.

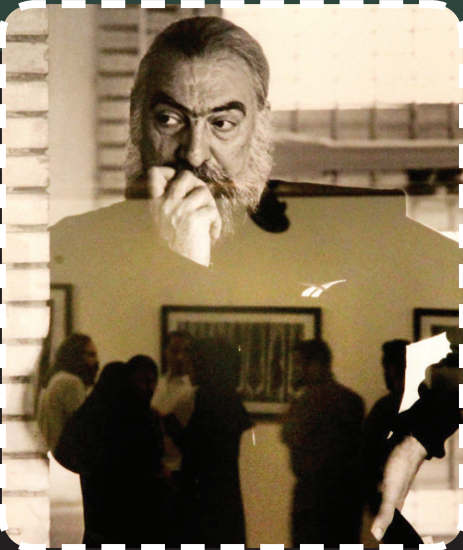
صدای دردو خشم خاموش

مشکاتیان در آهنگ‌سازی، تجربی بی‌همتا در ترکیب ساختارهای کلاسیک موسیقی ایرانی با بیان فردی داشت. با درگذشت ناگهانی‌اش در ۳۰ شهریور ۱۳۸۸، موسیقی ایران یکی از وزنه‌های بی‌بدیل خود را از دست داد. او صدای درد یک ملت، خشم خاموش و زیبایی‌های پنهان شده بود.

آلبوم «افق مهر» در دستگاه همایون در زمستان ۱۳۷۱ منتشر شد. این اثر که ایرج بسطامی اجرای آوازی آن را برعهده داشت، سومین همکاری این خواننده با پرویز مشکاتیان پس از آلبوم‌های افشاری مرکب و مژده بهار بود. در کنار آهنگ‌سازی پر جزئیات مشکاتیان و آواز شورانگیز بسطامی، گروه عارف به عنوان

بازوی اجرایی، سهم مهمی در انسجام صوتی این مجموعه داشت.

آلبوم «افق مهر» با وجود آن‌که در ساختار دستگاهی ایرانی شکل گرفته اما لحن مدرن آهنگسازی مشکاتیان و روایت درونی آوازه‌ا، آن را فراتر از یک بازآفرینی سنتی نشان می‌دهد. مجموعه این دلایل است که سبب شده تا بازخوانی قطعات مشکاتیان توسط پوریا اخواص، امری جسورانه باشد. اخواص در این پروژه نه به تقلید صدای بسطامی پرداخت و نه خواست از وزن استادانه مشکاتیان چیزی بکاهد. او با آگاهی و تسلط بر دستگاه همایون، سعی کرد این آثار را در بستری امروزی بازآفرینی کند.



از جاووش

تادر خششی

که ماندگار شد

مشکاتیان در دهه ۱۳۵۰

به تهران آمد و در همین

سال‌ها بود که به همراه هوشنگ

ابتهاج، محمدرضا لطفی و حسین علیزاده، گروه

«جاووش» را بنیان نهاد. جریانی که موسیقی سنتی ایران را به متن اجتماع و مردم کشاند. با تأسیس گروه «عارف»، پرویز مشکاتیان وارد دوران پرپار خلاقیت شد. آلبوم‌هایی چون «بیداد»، «جان عشاق»، «آستان جانان»، «خلوت‌گزیده»، «افق مهر» و بسیاری دیگر حاصل همکاری‌های درخشان او با محمدرضا شجریان، ایرج بسطامی، شهرام ناظری و علیرضا افتخاری است. این آثار نمونه‌هایی از بازخوانی روح زمانه در قالب هنر اصیل ایرانی به شمار می‌روند.

پوریا اخواص، آوازخوان و نوازنده ایرانی، یکی از صداهای برآمده از نسل وارثان موسیقی کلاسیک ایرانی است. نسلی که به دور از هیاهوی رسانه‌ای، که در خلوت تمرین و تأمل، خود را به اصالت این موسیقی وفادار نگه داشت. پوریا اخواص، موسیقی را از نوجوانی آغاز کرد و پس از آن در مسیری گام نهاد که سال‌ها پیش، بزرگان آواز آن را هموار کرده بودند.

پژوهش و آموزش، بستر محافل فرهنگی تخصصی

اخواص در کنار آواز، به پژوهش و آموزش موسیقی ایرانی نیز اشتغال دارد. او از جمله هنرمندانی است که به اهمیت «کارنامه» در هنر معتقد است. اینکه هنرمند نه با درخشش لحظه‌ای، بلکه با تداوم، عمق و پژوهش به جایگاه خود می‌رسد. همین نگاه سبب شده تا فعالیت‌هایش بیشتر در بسترهای تخصصی، محافل فرهنگی و اجراهای جدی دیده شود، نه در قالب جریان‌های بازاری.

ما به ستاره شدن نمی‌اندیشیدیم
آنچه بازخوانی قطعاتی از مشکاتیان

گفت‌وگو با پوریا اخواص، خواننده شب بزرگداشت پرویز مشکاتیان

برای شنیده شدن باید به

نهاد خاصی گره بخوریم

و پس از پذیرفته شدن در کلاس‌های ایشان حضور یافتم. این آغاز مسیر حرفه‌ای من شد که بعدها منجر به اجراهایی در فستیوال‌های بین‌المللی، مانند توکیو در سال ۲۰۰۴ و همکاری‌های مستمر با استاد علیزاده و استاد درخشانی شد.»

نابرابری در دیده شدن مانع

رشد موسیقی اصیل ایرانی

این خواننده جوان موسیقی ایران همچنین به این نکته اشاره دارد که: «جای تأسف است که در موسیقی ایران، فرصت‌ها محدود به چهره‌هایی خاص شده و بسیاری از هنرمندان پرتلاش نادیده گرفته می‌شوند. تک‌صدایی و انحصار رسانه‌ای موجب خستگی مخاطب و دل‌زدگی نسل جوان هنرمندان شده است. نبود حمایت ساختاری، نابرابری در دیده‌شدن و فقدان همبستگی میان هنرمندان از مهم‌ترین موانع رشد موسیقی متنوع و اصیل ایرانی است. باور دارم باید برای همه صداها، جایی برای شنیده‌شدن باشد.»

تداوم صداها برای زنده ماندن

موسیقی سنتی

بازخوانی «افق مهر» نشان داد که آثار بزرگان موسیقی ایران فقط نباید در حاشیه حافظه تاریخی بماند، بلکه باید در صدای امروز بازتاب پیدا کنند.

اگر مشکاتیان و بسطامی در دهه‌های گذشته راهی تازه در موسیقی گشودند، اکنون این صدا باید ادامه پیدا کند. در دورانی که موسیقی سنتی ایرانی در میان رسانه‌ها، جریان‌های دولتی، و حتی بخشی از مخاطبانش، به حاشیه رانده شده، چنین حرکت‌هایی ضرورت حیاتی دارند.

را ویژه می‌سازد، موقعیت نسلی اخواص است. نسلی که هم به ردیف وفادار مانده و هم از سیستم رسمی فرهنگی کمتر بهره برده است. او در این‌باره می‌گوید: «ما سال‌های بسیاری است که فعالیت می‌کنیم. از نوجوانی آموزش حرفه‌ای دیدیم، بی‌آنکه حتی لحظه‌ای به ستاره شدن فکر کنیم. آن روزها همه به اعتلای هنر فکر می‌کردند، نه دیده شدن. اما امروز کسانی که هنوز ردیف را به درستی نمی‌شناسند، با حمایت نهاده‌ها یک‌شبه ره صد ساله می‌روند. برای ما حمایتی در کار نبود؛ نه از بخش خصوصی، نه دولتی.»

بی‌عدالتی در موسیقی ایران
آشکار است

اخواص همچنین از نوعی بی‌عدالتی آشکار در فضای موسیقی ایرانی سخن می‌گوید: «کارنامه هنری نشانه بزرگی یک هنرمند است، نه میزان دیده شدن تصادفی. ما به جای رقابت بر یادگیری و تداوم تأکید داشتیم، اما امروز دیده شدن به رسانه‌ها و نهادهای خاص گره خورده و این برای هنرمندانی که کار جدی می‌کنند، دلسردکننده است. هر اثری که منتشر می‌شود در میان سیل تولیدات پرزرق و برق ناپدید می‌شود.»

آماده نبودم اما در آزمون

علیزاده پذیرفته شدم

اخواص درباره آغاز فعالیت‌هایش در عرصه موسیقی می‌گوید: «علاقه‌مندی من به موسیقی از کودکی آغاز شد، اما ورود جدی‌ام به عرصه حرفه‌ای زمانی رقم خورد که در دوران خدمت سربازی در فراخوان گروه هم‌آوایان به سرپرستی استاد حسین علیزاده شرکت کردم. به‌رغم تردید و نداشتن آمادگی در آزمون آواز شرکت کردم

برداشت خود از عشق می‌شوند.

احساسی که تعریف دقیقی ندارد

ویژگی مهم کتاب، تلفیق ظرافت و شوخ‌طبعی با تفکر است. کالی می‌گوید: «عشق نه فقط یک احساس رمانتیک یا خانوادگی که تجربه‌ای سیال و چندوجهی است که تعریف قطعی ندارد». به زبان ساده‌تر یعنی هیچ‌کس نمی‌تواند تعریف دقیقی از عشق بدهد اما همه به نوعی آن را تجربه کرده‌اند. بنابراین کودک داستان، درمی‌یابد عشق را باید خودش و به تدریج در زندگی

تصویرگری که بزرگسالان را هم جذب می‌کند

تصویرگری کتاب توسط «آنا لورا کانتون» به چهره‌های اغراق‌شده، اندام‌های کشیده و فضاسازی فانتزی، حال‌وهوایی گروتسک و کارتونی به داستان داده که کودک و بزرگسال را به یک میزان مجذوب خود می‌کند. این سبک تصویری موجب تقویت لحن شوخ اما تأمل‌برانگیز متن کتاب بشود.

کودکی برای کودکان، برای بزرگسالان
کتاب «عشق که می‌گویند

چیست؟» گرچه در دسته ادبیات کودک طبقه‌بندی می‌شود اما از آن دست آثار است که لایه‌های معنایی‌اش برای مخاطب بزرگسال نیز غنای زیادی دارد. به ویژه برای پدرها و مادرها، مربیان، روان‌شناسان کودک و هنرمندانی که به بیان مفاهیم پیچیده به زبانی ساده می‌اندیشند. این کتاب با ترجمه رضی هیرمندی در نشر «ساز و اندیشه» به چاپ رسیده است.

نویسنده هنرمند تصویر



دیوید کالی نویسنده‌ای با خط فکری متفاوت است. نویسنده‌ای ایتالیایی سوئیس‌ی که خودش را نویسنده کتاب‌های مصور و کمیک می‌داند. او به خاطر کتاب‌های تصویری و رمان‌های گرافیکی‌اش مشهور است و تاکنون بالغ بر ۹۰ کتاب را منتشر کرده است. آثار کالی در ۲۵ کشور جهان و به زبان‌های مختلف ترجمه و منتشر شده است. عمده آثار این نویسنده در بسیاری از کشورهای جهان، مورد استقبال قرار گرفته است. کالی در زمینه نویسندگی کتاب کودک و بزرگسال آثاری را منتشر کرده که همگی برایش افتخاراتی را به همراه داشته است. کالی در سال ۱۹۷۲ در لیستان سوئیس به دنیا آمد. دوران کودکی‌اش را در ایتالیا گذراند و در همین کشور به عنوان هنرمند کتاب‌های مصور شروع به کار کرد. شروع کار حرفه‌ای او در مجله کمیک ایتالیایی با نام «لینوس» بود. او در سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۸ دارای سمت نویسنده در این نشریه بود. اولین اثر دیوید کالی به سال ۱۹۹۸ در کشور ایتالیا منتشر شد. مجله زبانی ساده می‌اندیشند. «Mys premiers j'aine lire» در سال ۲۰۰۴ کتاب‌های این نویسنده را منتشر کرد. کالی در ایتالیا زندگی می‌کند و به نام‌های مستعار «تارو» Taro، «میازاوا» Miyazawa، «دایکون» Daikonn نیز می‌نویسد.

درباره کتاب «عشق که می‌گویند چیست؟» تجربه شخصی یا بازنگری در مفهوم عشق



پاسخ به پرسش پیچیده کودکان

دیوید کالی در کتاب «عشق که می‌گویند چیست؟» با تصویرگری «آنا لورا کانتون» به زبانی ساده و طنزآمیز، پرسش دیرین و پیچیده کودکان را درباره مفهوم «عشق» پاسخ می‌دهد.

مفاهیم فلسفی به زبان کودکانه

او در کتابش نشان می‌دهد چگونه می‌توان مفاهیم بزرگ و فلسفی را به زبان کودکانه، طنزآمیز و در عین حال تأمل‌برانگیز بیان کرد. در این اثر، کودکی از بزرگ‌ترین بیان خانواده‌اش معنای واژه عشق را می‌پرسد و هر کدام از اعضای خانواده، بسته به دیدگاه و فهم شخصی خود، به او پاسخی می‌دهد که گاهی مضحک، متضاد یا اغراق‌آمیز است.

عشق تجربه واحدی نیست

برای مادر بزرگ عشق مثل شیرینی است و برای پدر بزرگ مثل قطعات ماشین و حتی برای پدر مانند یک مسابقه ورزشی! این

«درباره نویسندگی: «دیوید کالی»

دنیای پیچیده اما ساده

«دیوید کالی» (Davide Cali) نویسنده ایتالیایی – سوئیس‌ی سال



۱۹۷۲در شهر لیون (فرانسه) به دنیا آمد و در ایتالیا بزرگ شد. او فعالیت حرفه‌ای خود را با نوشتن کمیک و طنز آغاز کرد، سپس به دنیای ادبیات کودک و نوجوان وارد شد. کالی از نویسندگانی است که با تصویرگران متعددی در سر تاسر دنیا همکاری کرده و آثارش به زبان‌های زیادی ترجمه شده‌اند. سبک کار او اغلب تلفیقی از طنز، سادگی و نگاه فلسفی به مفاهیم انسانی مانند عشق، ترس، جنگ، تنهایی و هویت است. او توانایی خاصی در بیان مفاهیم پیچیده با زبان ساده کودکانه دارد. از دیگر کتاب‌های او می‌توان به «دشمن»، «خرس شمشیر به‌دست»، «هاجرای باورکردنی تابستان من»، «صبح بخیر همسایه» و «ماجرای بامزه در موزه» اشاره کرد.

چرا سینمای ایران غیرقابل بازسازی است

جهانی برآمده از فلسفه و فرهنگ

ایران در فهرست فیلم‌های بازسازی شده گاردین غایب بود

شده که اغلب از مخاطب تنها واکنش هیجانی

می‌طلبند، به مشارکت تحلیلی یا احساسی.

❖ **مرز بومی بودن و جریان بازسازی**

نمونه‌های شاخص سینمای ایران، از «طعم گیلان» کیارستمی تا «جدایی نادر از سیمین» فرهادی، روایت‌هایی هستند که در تار و پود فرهنگ، زبان و زیست ایرانی تنیده شده‌اند. این فیلم‌ها نه به دلیل ناتوانی در جهانی شدن، بلکه به واسطه شدت بومی بودن‌شان، کمتر قابلیت پیاده‌سازی در قالب‌های استاندارد سینمای تجاری غرب را دارند. همین امر، مرز نامرئی اما محکمی را میان سینمای ایران و جریان بازسازی‌های هالیوودی می‌سازد.

❖ **بازسازی بدون بافت فلسفی ناممکن است**

مثلاً در فیلم «طعم گیلان» بیننده در لایه‌های زیرین یک جستجو به تفکری فلسفی درباره مرگ، معنا و رستگاری دعوت می‌شود. چیزی که بازسازی آن بدون بافت فلسفی و فرهنگی ایران، به سادگی به‌اثری سطحی و بی‌ریشه بدل خواهد شد.

❖ **رد سینمایی که بازسازی نمی‌شود، در جهان**

با این همه، ردپای سینمای ایران در سینمای جهان مشهود است. نه از مسیر بازسازی بلکه از مسیر تأثیرگذاری. از مارتین اسکورسیزی که کیارستمی را ستایش می‌کند تا فیلم‌سازان نسل جدیدی که در گوشه و کنار جهان از زبان تصویری و نگاه اخلاقی سینمای ایران الهام می‌گیرند.

❖ **سینمای ایران در جهان می‌پیچد**

در واقع می‌توان گفت تأثیر سینمای ایران بیشتر شبیه عطری است که در فضا می‌پیچد تا کالایی که در قفسه‌ها کبی می‌شود. همین تأثیر تدریجی و زیرپوستی، گاهی بیش از هزار بازسازی مستقیم، فرهنگ تصویری جهان

نشر

روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۴۰۵۲ | یکشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۴

بازسازی در سینما، بیش از آن که صرفاً باز تولید یک روایت باشد، نوعی ترجمه فرهنگی است. برداشتن یک داستان از ریشه‌های بومی‌اش و کاشتن آن در خاک و هوای فرهنگی دیگر. مقاله اخیر گاردین با رتبه‌بندی بیست بازسازی برتر هالیوودی از فیلم‌های غیرانگلیسی زبان، فرصتی است تا نگاهی دقیق‌تر به جای خالی سینمای ایران در این فهرست بیندازیم. جای خالی‌ای که نه از فقر روایت می‌آید نه از کمبود استعداد یا کم‌توجهی جهانی، بلکه از ویژگی‌های منحصربه‌فرد سینمای ایران که بازسازی آن را به معمایی پیچیده برای صنعت پرزرق و برق هالیوود بدل می‌کند. درواقع این غیبت نوعی گواهی است بر مقاومت ناخوسته‌ای که سینمای ایران در برابر قالب‌بندی‌ها و فرم‌های مصرف‌گرایانه نشان می‌دهد. همان گونه که برخی زبان‌ها به سختی ترجمه‌پذیرند، برخی سینماها نیز در ترجمه فرمی و فرهنگی دچار فرسایش معنایی می‌شوند.

❖ **روایت‌های محلی که از مرزها عبور می‌کنند**

فیلم‌هایی که در فهرست گاردین آمده‌است، نمونه‌هایی هستند از این که چگونه روایت‌های محلی، اگر ساختار ژانری یا دارون مایه‌ای جهانی داشته باشند، می‌توانند به راحتی از مرزها عبور کنند و در بازارهای جهانی بازتولید شوند. اما سینمای ایران با تکیه بر نوعی واقع‌گرایی مینیمالیستی، با خصلت‌های شاعرانه و اجتماعی، اغلب در بستری شکل گرفته که بیشتر برای درک و تأمل ساخته شده تا برای سرگرمی و بازتولید.

❖ **دعوت به مشارکت ذهنی و تجربه زیسته**

این نوع سینما، مخاطب را وادار به مشارکت ذهنی می‌کند. دعوتی است به تجربه زیسته، نه به تماشای صرف. درست برخلاف بسیاری از روایت‌های بازسازی



بررسی تغییرات مدیریتی بنیادین در شبکه کتاب پس از تغییر دولت؛ چالش‌ها، وعده‌ها و نیاز به شفافیت و شایسته‌سالاری

خانه کتاب، آینه تغییر دولت‌ها



سمیه خاتونی
هفت صبح

عمیق و با کیفیت بپردازد، در گیر ظواهر و کمیت بود. شبکه کتاب در دوره جدید قصد دارد به یک مرجع محتوایی – تحلیلی در حوزه کتاب تبدیل شود، نه صرفاً یک رسانه تصویری.

❖ **تغییر، فرصت یا ریسک؟**

حالا سوال اصلی اینجاست: آیا چنین تغییر بنیادینی آن‌هم در مدت زمانی کوتاه، می‌تواند به نتایج موثر منجر شود یا نه؟ آنچه مسلم است، تغییر در مدیریت و ساختار منابع انسانی بدون نقشه راه و ارزیابی‌های میان مدت، ممکن است به سردرگمی یا حتی پسرست منجر شود. هر چند به باور بسیاری از کارشناسان ارزیابی نتایج چنین تغییراتی نیاز به گذشت حداقل دو سال دارد، اما در کوتاه‌مدت نیز می‌توان برخی شاخص‌ها نظیر کیفیت تولیدات، دامنه مخاطبان و میزان تعامل با نویسندگان و ناشران را به عنوان شاخص‌های موفقیت یا عدم توفیق تحلیل کرد.

❖ **سنجش فاصله میان وعده‌ها و واقعیت‌ها**

در شرایط فعلی، آنچه شبکه کتاب نیاز دارد شفافیت در اهداف، پایداری در اجرا و پیوستگی در تعامل با بدنه فرهنگی کشور است. مجید شمس‌الدین‌نژاد مدیرعامل شبکه کتاب ایران، در دوره ریاست‌جمهوری پیشین، این بخش با ابتکار علی رضائی (مدیر اسبق خانه کتاب) تأسیس شده بود و با هدف ترویج کتابخوانی در قالب برنامه‌های تصویری فعالیت می‌کرد؛ اما با روی کار آمدن دولت جدید این بخش نه تنها از نظر مدیریتی دگرگون شد بلکه ساختار و حتی نام آن نیز به «شبکه کتاب» تغییر یافت.

❖ **مدیریت جدید، ساختاری نو**

با انتصاب مجید شمس‌الدین‌نژاد به عنوان مدیر شبکه کتاب، تغییری کامل در نیروهای انسانی و ساختار اداری این بخش رخ داد. او که سابقه استادی دانشگاه و مدیریت نشر «خاموش» را در کارنامه دارد، در حال حاضر مشاور ارشد مدیرعامل خانه کتاب، ابراهیم حیدری نیز هست. مجید شمس‌الدین‌نژاد با ورود خود تمام پرسنل و شیوه‌های پیشین را کنار گذاشت و ساختاری جدید را پایه‌ریزی کرد. او در گفت‌وگویی که با ما داشت، به اهمیت نوسازی رویکردها و تطبیق با نیازهای روز اشاره کرد. او معتقد است ساختار قبلی بیش از آن که به تولید محتوای

مسئله «جهان شخصی

فیلمساز» با آخرین اکران فیلم

شخصی در سینما

جهان یگانه من



محمدعرفان صدیقیان
هفت صبح

«صبحانه با زرافه‌ها» نمونه‌ای کمیاب از یک فیلم شخصی در سینمای کلیشه‌زده این روزها به شمار می‌رود.

در جهان پست مدرن، مفاهیم و نظر به‌های هنری صورتی دگرگون یافته‌اند و دچار نوعی استحاله معنایی شده‌اند. مقوله استابل و سبک شخصی هنرمند و تعریف بنیان‌ها و اساس کلی حاکم بر آن از جمله مواردی است که این روزها خوانش‌های معنایی پیرامون آن در حوزه فلسفه هنر صورتی مشخص نداشته و به لحاظ تئوریک دچار نوعی چند معنایی شده است.

«سینمای شخصی فیلمساز» مفهومی سوپزکتیو است که با وجود قرابت و نزدیکی ظاهری آن با مقوله تالیف و فیلمساز مولف، از اساس دارای المان‌های دیگری می‌شود و به همین دلیل در نظر گرفتن نوعی مرزبندی مشخص میان این دو، امری ضروری است. سروش صحت در مقام یک فیلمساز دارای نوعی جهان‌بینی شخصی مختص به خود است که نوع ارائه و بازنمایی آن در قالب اثری سینمایی با مولفه‌ها و جزئیات جذابی همراه است. به همین دلیل می‌توان به بهانه آخرین ساخته سینمای او، مروری بر سبک و سینمای شخصی فیلمساز داشت.



گونه را انتخاب می‌کند تا بدین ترتیب، نمود بیرونی این مسئله صورتی جذاب پیدا کرده و به مذاق تماشاگر عام نیز خوش آید. جوهره موجود در آثار فیلم‌سازان دارای سینمای شخصی، بیش از هر چیز از شیوه زیست و نگاه آن‌ها به جهان پیرامون تأثیر می‌گیرد و به همین دلیل با حرکت در گستره زمان ممکن است تغییر و تحولی اساسی در طریقه نگرش‌شان حاصل شده و مسیری متفاوت نسبت به گذشته را در پیش بگیرند و تفاوت‌های ماهوی میان دو ساخته سینمایی سروش صحت نیز با در نظر گرفتن این عامل قابل واکاوی است. این روزها مرز قطعی و مشخصی در جهان پست مدرن و آثار هنری برآمده از آن وجود ندارد و تجربه‌گرایی به المان اصلی این جریان تبدیل شده است، عاملی که عرصه اصلی و زمینه‌ساز بروز نبوغ در یک هنرمند است و در نهایت نیز به شکل‌گیری جهان شخصی او منجر می‌شود.

خلق دنیای شخصی و درونی توسط یک فیلمساز مرزهای بیان هنری را گسترش داده و مواردی همچون تلفیق ژانر و شکستن هوشمندانه غالب‌های تثبیت شده، منجر به شکل‌گیری نوعی سلیقه تازه و بیشش متفاوت در مخاطب می‌شود.

شکل داده بود. برخورد او با این موضوع بنیادین، از صورت متعارف و مرزبندی شده رایج تبعیت نمی‌کند و ریشه این مسئله با توجه به تجربیات پیشین او تا حدی قابل ردیابی است. صحت اجرای دو برنامه برپیننده «کتاب‌باز» و «کنون» را در کارنامه دارد و همین موضوع نمایانگر پیوند دیرینه او با کتاب و مقوله مطالعه است. آن‌طور که از صحبت‌های صحت پیداست، مطالعه منابع مختلف در ارتباط با عرفان، فلسفه و متون کهن و معاصر ادبیات ایران و جهان باعث شده تا او به اشراف کاملی بر بنیان‌های اندیشه دست یابد. به همین دلیل و از پس کسب چنین تجربه‌ای، او در مقام هنردوستی خلاق و صاحب ایده، نسبت خود با مفهوم مرگ و حیات آدمی را مشخص کرده و موفق می‌شود قرائتی کامل‌ا شخصی و بکر از آن ارائه کند. برای همین هم این نقطه نظر شخصی و مفهومی او در قالب سکانس‌هایی با درونمایه منحصر به فرد، به موتیفی فراگیر در فضای مجازی تبدیل شده و به کرات در صفحات مختلف بازنشر و تکرار می‌شود.

دقیق شدن بر اجزای روایی جهان شخصی سروش صحت نشانگر فلسفه‌ای مدرن و امروزی است که می‌تواند در بطن خود حاوی عناصری پندآموز برای مخاطب باشد. فیلمساز به دلیل تلقی مضمون مرگ و البته با توجه به مقتضیات سوپزکتیو و ذهنی آن، مواجهه‌ای از نوع کمدی و بیان فانتزی و پارودی

دهه پیش در مجموعه «شمعدونی» دست به چنین کاری زد و ایده‌های ساده، ابتدایی و البته دیوانه‌واری را دستمایه خلق موقعیت‌های کمدی بکر و خلاقانه قرار داد. او بعدها دامنه مراحل آزمون و خطا در بروز چنین نگرشی را به سریال‌های «لیسانسه‌ها» و «مگه تموم عمر چندتا بهاره؟» نیز بسط داد و در نهایت به شکل فرمی و ساختاری منسجمی در جهت بیان و ارائه ایده‌های ذهنی خود دست پیدا کرد.

«صبحانه با زرافه‌ها» نقطه اوج مسیری معلق میان فانتزی و واقعیت است که احتمالاً به دلایلی همچون جذب مخاطبان انبوه، وجوه و زمینه‌های عامیانه در آن نمودی پررنگ پیدا کرده است. از سویی دیگر عموماً در سینمای شخصی نوع مواجهه فیلمساز با موقعیت‌های کمدی به شکل گرفته شده، نه از طریق مطالعات جامعه‌شناختی و رصد کردن وضعیت اجتماع، بلکه به وسیله نوعی بینش درونی و روایتی شخصی با مسائل این‌چنینی حاصل می‌شود. به همین دلیل حتی ساده‌ترین نکات جاری در متن، حکم کلیدی برای ورود به جزئیات نهفته در اثر را خواهد داشت که ریشه در سطح دغدغه‌مندی فیلمساز نسبت به موضوع دارد. چنین به نظر می‌رسد که برای سروش صحت، مقوله زندگی و حیات آدمی و نسبت آن با مرگ مسئله‌ای اساسی است. موضوعی که ایده مرکزی نخستین فیلم بلند او یعنی «جهان با من برقص» را نیز

صحت از زمان ساخت سریال «شمعدونی» به استفاده از نوعی فضای شبه فانتزی روی آورد که نتیجه آن برای هر بیننده‌ای راضی کننده نیست. در واقع او به نوعی خرق عادت دست می‌زند و فضایی بر ساخته را به وجود می‌آورد که در عین آنکه قواعد منطق و اصول جاری در عالم واقع بر آن حاکم است اما پذیرش موقعیت متکی به درک و دریافت المان‌هایی است که صحت برای آن در نظر گرفته است، او این روش شخصی را به صورتی دیگر در مجموعه‌های «لیسانسه‌ها» و «مگه تموم عمر چندتا بهاره؟» ادامه داد و دست به طراخی موقعیت‌هایی زد که در ظاهر نمود چندانی در پیشبرد روایت نداشتند و حتی در ظاهر نیز بستر مناسبی برای خلق موقعیت‌های کمدی به به شمار نمی‌رفتند اما به شکلی خلاقانه و با اتکا به جهانی بر ساخته و نو که منطق خاص خود را می‌طلبید، موفق به جلب نظر مخاطبانی می‌شد که در پی اندیشه و فضایی متفاوت بودند. صحت در عمده آثار متأخر خود به نوعی فانتزی که ریشه‌های شکل‌گیری آن در جهان واقع و بستر اجتماعی روز بنا شده توجه نشان داده است. رویکرد بازیگوشانه فیلمساز در درجه اول متن اثر را شامل می‌شود، به صورتی که ایده‌های بازیگوشانه، علاوه بر دارا بودن وجوه فانتزی و سورئال، همچنان دارای نسبت عمیقی با واقعیت هستند. صحت حدوداً یک



وزارت راه و شهر سازی
سازمان بندر و دریانوردی
اداره کل بندر و دریانوردی استان هرمزگان



آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای

(همراه با ارزیابی کیفی)

مناقصه گزار: اداره کل بندر و دریانوردی استان هرمزگان
موضوع مناقصه: خرید خدمات نقلیه (انجام سرویس ایاب و ذهاب کارکنان بندر شهید رجایی با اتوبوس، مینی بوس یا ون ونا)، به شرح اسناد مناقصه شرایط اختصاصی:

۱- دارا بودن سوابق کاری مشابه در پنج سال اخیر

۲- توان مالی و فنی

۳- ارائه کد اقتصادی، شناسه ملی

۴- ارائه تاییدیه عدم بدهی از اداره کل امور مالی سازمان بندر و دریانوردی

۵- ارائه صورتهای مالی حسابرسی شده سال های ۱۴۰۱ یا ۱۴۰۲

مهلت و نحوه در یافت اسناد:

متقاضیان شرکت در مناقصه می توانند از تاریخ ۱۴۰۴/۴/۲۸ تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۴/۲۳ روز شنبه با مراجعه به سایت www.setadiran.ir نسبت به دریافت (خرید) رایگان اسناد اقدام نمایند.

❖ ضمناً دریافت آگهی از سایتهای www.shahidrajaceport.pmo.ir و www.ietsmporg.ir نیز بصورت غیر حضوری و بدون پرداخت وجه نقد به کارفرما امکان پذیر است.

مهلت و محل تسلیم پاکات و بار گذاری اسناد:

متقاضیان باید پیشنهادات خود را تا ساعت ۱۳:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۴/۱۹ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) به آدرس www.setadiran.ir بار گذاری نمایند.

تیمبر ۱: متقاضیان مکلفند تا همین تاریخ علاوه بر بار گذاری اسناد خود در سایت مذکور نسبت به تحویل فیزیکی صرفاً پاکت های محتوی سدره شرکت در مناقصه به دبیرخانه مرکزی اداره کل بندر و دریانوردی استان هرمزگان- شهر شهید رجایی- ساختمان آموزش اقدام نمایند.

تیمبر ۲: کلیه ی مراحل برگزاری از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه ی پیشنهاد مناقصه گران و گشایش پوشه ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند بدیهی است در صورت عدم انجام فرایند در سامانه ی مذکور، پیشنهادات ارائه شده به صورت فیزیکی مورد قبول واقع نمیکرد.

قیمت پایه مناقصه: ۶۴۳/۶۵۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال

تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (تضمین شرکت در مناقصه): جهت شرکت در مناقصه به مبلغ ۲۵/۴۷۳/۱۶۰/۰۰۰ ریال با واریز وجه نقد به حساب شماره ۴۱۰۰۶۴۵۷۱۲۱۴۵۳ و شماره شب ۴۱۰۰۶۴۵۷۱۲۱۴۵۳ نزد بانک مرکزی به نام تنخواه گردان پرداخت بندر شهید رجایی یا به صورت ضمانت نامه بانکی معتبر تیمبر: ضمانت نامه مذکور می بایست از تاریخ صدور به مدت حداقل ۳ ماه دارای اعتبار باشد. همچنین برای یک دوره سه ماهه دیگر نیز قابل تمدید باشد.

زمان و محل بازگشایی پیشنهادات:

تاریخ ۱۴۰۴/۳/۲۱ روز چهارشنبه ساعت ۰۹:۰۰ مجتمع بندری شهید رجایی- سالن کنفرانس ساختمان مهندسی عمران.

تیمبر ۱: اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه باید مطابق شرایط مذکور توسط مناقصه گران بصورت الکترونیکی در سامانه ستاد ایران بار گذاری گردد.

تیمبر ۲: اسناد باید با کیفیت بالا و خوانا (۴۰۰ تا ۳۰۰ dpi) اسکن و بار گذاری گردد. در صورت ناخوانا بودن، به اسناد استناد نمیگردد.

حضور مناقصه گران یا نمایندگان نام انتخابی آنها با معرفی نامه رسمی در جلسه بازگشایی پیشنهاد قیمت باطلان است.

برای کسب اطلاع بیشتر در خصوص اسناد مناقصه با تلفن های ۰۷۶-۳۲۱۱۳۳۲۴۶-۳۲۱۱۳۳۲۴۶ و جهت دریافت و نحوه بار گذاری اسناد مناقصه با شماره تلفن ۰۷۶-۳۲۱۱۳۳۲۴۶ تماس حاصل فرمایید.

اداره ارتباطات و اطلاع رسانی بندر و دریانوردی استان هرمزگان

گزارشی از ترس، تاریکی و افتخار در صنعت گیم

سکانس از جهنم

جدال با تاریکی در بهترین بازی های ترسناک ۵ سال اخیر

ملک میرمهدی
هفت صبح

آخرین بازمانده از ما

قسمت ۲

THE LAST OF US PART II

نقاط قوت: داستان و شخصیت پردازی بی نقص مهم ترین نقطه قوت بازی است؛ روایتی جسورانه و فراتر از مرزهای معمول بازی ها. گرافیک و انیمیشن های صورت و بدن به قدری واقعی و نفسگیر هستند که گاه فراموش می کنید با یک بازی ویدیویی طرفید. فضا سازی، صدا گذاری و موسیقی، با وسواسی مثال زدنی طراحی شده اند و هر گام در خرابه های پسا آخر زمانی سیاتل، شما را به وحشت می اندازد. مخفی کاری و هوش مصنوعی دشمنان واقع گرایانه و چالش برانگیز است و مبارزات دست به دست، واقعاً خشن و تأثیر گذار اجرا شده اند.

نقاط ضعف: در عین تمام تعریف ها، روایت طولانی و ضربه انگیز بعضی مراحل، برای برخی بازیکنان خسته کننده شده است. تصمیمات بحث برانگیز داستانی باعث شده ای از هواداران نسبت به سر نوشت شخصیت های محبوب شان اعتراض کنند. میزان خشونت بالا و سنگینی روانی روایت نیز این بازی را برای همه مناسب نمی کند. برخی مأموریت های فرعی، بیش از حد کش دار به نظر می رسند و می توانستند کوتاه تر و فشرده تر طراحی شوند.



فازموفوبیا

PHASMOPHOBIA

معرفی و فضا سازی: Phasmophobia یک ترس روان شناختی و چند نفره است که از دل یک استودیوی کوچک مستقل بیرون آمد و به سرعت به پدیده ای جهانی بدل شد. گروهی محقق ماوراء الطبیعه، با تجهیزات ویژه مانند دوربین دید در شب، دستگاه EMF و جعبه ارواح، به خانه های متروکه و زندان های تسخیر شده می روند تا شواهدی از ارواح جمع آوری کنند. محیط ها تیره و تاریک، صدا گذاری سه بعدی و سیستم چت صوتی که حتی ارواح هم به آن گوش می دهند، تجربه ای وحشتناک و ملموز از لحظات نفسگیر خلق می کند.



رزیدنت اویل: ویلج

RESIDENT EVIL VILLAGE



معرفی و فضا سازی: نسخه هشتم رزیدنت اویل با عنوان Village، تلفیقی شگفت انگیز از افسانه های محلی، وحشت کلاسیک و اکشن مدرن را به نمایش گذاشت. داستان ایتن وینترز و سفری بر تعلیق در دهکده ای نفرین شده در اعماق کوهستان های اروپا، پر است از اربابان خون آشام، گرگینه ها و هیولاهای عجیب و غریب. هر منطقه حال و هوای خاص خود را دارد: از قلعه گوتیک و سرد بانو دیمیترسکو، تا خانه عروسکی ترسناک و کارخانه صنعتی هایزنبرگ. تنوع محیط، ترکیب اکشن و حل معما و استفاده از دوربین اول شخص باعث شده Village تجربه ای همه جانبه از وحشت و اکشن باشد.

نقاط قوت: تنوع طراحی محیط، باس فایت های جذاب، تعادل عالی بین اکشن و ترس و صدا گذاری و نور پردازی استثنایی از نقاط قوت بازی است. شخصیت های فراموش نشدنی مثل بانو دیمیترسکو با طراحی و اجرا، به یکی از پدیده های فرهنگی بدل شدند. هر بخش بازی حال و هوای ترس متفاوتی ارائه می دهد و همین مسئله باعث شده Village بیشتر به یک تور وحشت شباهت پیدا کند تا بازی معمولی.

نقاط ضعف: در نیمه دوم بازی، تمرکز روی اکشن بیشتر از ترس می شود و ریتم و وحشت بقا تا حدی کاهش پیدا می کند. روایت اصلی و افساگرایی های داستانی، به ویژه درباره مادر میراندا و ریشه های ویروس، کمی پیچیده و گاهی گیج کننده است. بعضی از معما ها نیز بیش از حد ساده شده اند. جوایز و افتخارات: Village موفق شد عنوان بازی سال از دید مخاطبان را کسب کند.

آلن ویک ۲

ALAN WAKE II



معرفی و فضا سازی: پس از سیزده سال انتظار، Alan Wake II سرانجام با روایتی تاریک، پیچیده و چند لایه بازگشت. دو شخصیت اصلی – آلن و یک نویسنده و ساکا اندرسون کار آگاه افسه ای – در دو جهان موازی (دنیای واقعی و دنیای کابوس وار دارک پلیس) درگیر معما های سریالی و فرار از تاریکی هستند. گرافیک نسل جدید، جلوه های نور و سایه خارق العاده، روایت سینمایی و مکانیک های کار آگاهی منحصر به فرد، آلن ویک ۲ را به یک شاهکار مدرن بدل کرده است.

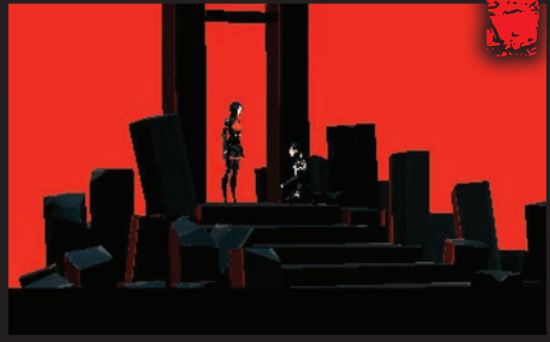
نقاط قوت: داستان سریایی چند لایه و ادغام عناصر جنایی، وحشت روان شناختی و متافیزیک، نقطه قوت اصلی بازی است. جلوه های بصری و صوتی، از افکت های محیطی تا موسیقی مرموز و صدا گذاری فوق العاده، بی نظیرند. سیستم معمای Mind Place و امکان تأثیر گذاری بر وقایع از طریق نوشتن و باز نویسی داستان، نوآوری جذابی به گیم پلی داده است. طراحی هنری و کارگردانی صحنه ها، کیفیتی سینمایی به هر بخش بازی داده است.

نقاط ضعف: داستان پیچیده و ارجاعات فراوان به نسخه اول و بازی Control ممکن است برای بازیکنان تازه وارد گیج کننده باشد. ریتم آغازین بازی کمی کند است و شروع آن برای برخی مخاطبان آهسته به نظر می رسد. همچنین برخی باگ ها و مشکلات فنی اولیه، تجربه ای را تحت الشعاع قرار دادند که البته با آپدیت ها تا حدی رفع شد.

جوایز و افتخارات: Alan Wake II در The Game Awards سه جایزه مهم بهترین کارگردانی، بهترین روایت و بهترین کارگردانی هنری را دریافت کرد.

سیگنالیس

SIGNALIS



معرفی و فضا سازی: در میان بازی های ترسناک مستقل، Signalis با حال و هوای دهه ۹۰ و ادای احترام به عناوینی مثل Silent Hill و Resident Evil، اثری چشمگیر خلق کرد. روایت در آینده ای تاریک و پسا انسانی می گذرد و بازیکن در نقش الاسترا، یک انسان مصنوعی، به پایگاهی فضایی و پررمزوراز پا می گذارد. روایت غیر خطی، موسیقی الکترونیک تیره و سبک بصری پیکسلی/سه بعدی، تجربه ای خاص و آمیخته با وحشت روان شناختی می سازد.

نقاط قوت: سبک هنری خاص، صدا گذاری و هم آواز و روایت مرموز و لایه لایه، تجربه ای متفاوت و ماندگار می سازد. محدودیت موجودی و کمبود منابع، حس بقا را تقویت کرده و معما های محیطی چالش برانگیز و گاهی هوشمندانه هستند. داستان و جهان سازی بازی، ذهن بازیکن را به تفسیر و کشف تشویق می کند.

نقاط ضعف: وفاداری شدید به فرمول های کلاسیک شاید برای همه مناسب نباشد. محدودیت شدید موجودی، رفت و آمد مکرر و سختی معما ها برای بازیکنان کم حوصله آزار دهنده می شود. گاهی روایت بیش از حد در لایه های سمبولیک غرق می شود و برخی بازیکنان را سر درگم می کند. در مواردی مبارزات سخت و کند هستند.

جوایز و افتخارات: Signalis در جوایز سالانه ترسناک، هم از سوی داوران و هم مخاطبان عنوان بهترین بازی سال را کسب کرد و در فهرست منتخب منتقدان و سایت های معتبر قرار گرفت.



رزیدنت اویل ۲ (بازسازی ۲۰۱۹)

REMAKE 2 RESIDENT EVIL

بازگشت توانایی یکی از اسطوره های ژانر وحشت: Resident Evil ۲ با بازسازی سال ۲۰۱۹ دوباره شهر را کون را به عرصه کابوس و وحشت بدل کرد. بازیکنان بار دیگر در نقش لیان کندی و کلیر ردفیلد، میان خیابان های باران خورده و راهروهای سرد و خفه اداره پلیس را کون، برای بقا و رمزگشایی از یک فاجعه زیستی مبارزه می کنند. ترکیب دوربین مدرن روی شانه، گرافیک نسل جدید، صدا گذاری سه بعدی و باز آفرینی معما ها و محیط ها، فضای تنش آلود دهه ۹۰ را برای نسل تازه بازسازی کرده است. حرکت دائم خطر «آقای اکس» در گوشه و کنار و سیستم نورپردازی واقع گرایانه، سطح استرس را تا آخرین لحظه بالا نگه می دارد.

نقاط قوت: بزرگ ترین نقطه قوت بازی، فضا سازی واقعاً ترسناک آن است. هر قدم در راهرو ها می تواند با جیبی ناگهانی یا سایه ای در انتهای کریدور همراه شود. طراحی محیط ها هوشمندانه، معما ها جذاب و منطقی و در عین حال چالش برانگیز هستند. مدیریت منابع، کمبود مهمات و انتخاب های تاکتیکی، حس کلاسیک وحشت بقا را به بهترین شکل باز آفرینی می کند. گرافیک و انیمیشن ها، مخصوصاً چهره ها و نور ها، از لحاظ فنی یک جهش به شمار می روند. صدا گذاری شخصیت ها، صداهای محیطی و افکت های اضطراب آور (مثل صدای پای سنگین آقای اکس که در طبقه بالا می پیچد) همگی بی نظیر و تأثیر گذارند.

نقاط ضعف: هر چند رزیدنت اویل ۲ ریمیک از نظر کیفیت تحسین شده است، اما ایراداتی نیز به آن وارد شده. برخی بازیکنان معتقدند سناریو های دوم هر شخصیت از نظر روایت و ترتیب وقایع با سناریوی اول هماهنگی ندارد و تازگی کمتری نسبت به بار اول بازی دارد. هوش مصنوعی دشمنان در مواقعی قابل پیش بینی می شود و سیستم ذخیره سازی محدود گاهی موجب تکرار اجباری برخی مراحل می گردد. همچنین عده ای از علاقه مندان قدیمی سری، حذف برخی المان ها و معما های کلاسیک را نقطه ضعف تلقی کرده اند. جوایز و افتخارات: Remake ۲ Resident Evil در مراسم های بین المللی خوش درخشید و جوایزی همچون «بهترین صدا گذاری» و «بازی سال از نگاه مخاطبان» را کسب کرد و در شاخه های متعددی نامزد دریافت جایزه شد.



دنیای وحشت هرگز تا این اندازه خلاق، هیجان انگیز و نفسگیر نبوده؛ این گزارش شما را با دلهره ساز ترین عناوین پنج سال اخیر آشنا می کند.

هفت بازی ترسناک برتر جهان (۲۰۱۹ تا ۲۰۲۴)

دنیای بازی های ترسناک هرگز به اندازه پنج سال اخیر چنین پویا و هیجان انگیز نبوده است. مرزهای وحشت در مدیوم بازی های ویدیویی، بارها با روایت های تازه، باز آفرینی شاهکار های کلاسیک و نوآوری های فنی، جابه جاشده اند. این گزارش ویژه، شما را با هفت مورد از بهترین و وحشتناک ترین بازی های این سال ها آشنا می کند؛ آثاری که با داستان هایی نفسگیر، فضا سازی منحصر به فرد و تجربه هایی غافلگیر کننده، دلهره و ترس را تا مغز استخوان بازیکنان رسانده اند. در کنار معرفی هر بازی، نقاط قوت و ضعف کلیدی آن ها و مهم ترین افتخارات بین المللی شان را نیز مرور کرده ایم تا تصویری کامل از وضعیت ژانر و وحشت امروز به دست آورید.



معرفی و فضا سازی: قسمت دوم The Last of Us روایت گر یکی از تاریک ترین و یخ ترانگیز ترین داستان های چند سال اخیر است. الی، حالا یک زن جوان، بازخم هایی تازه و تصمیماتی سنگین تر پایه میدان انتقام می گذارد. داستان پیچیده بازی، مدام بین دو جبهه و دو شخصیت (الی و ابی) جابه جا می شود و روایت انسانی، اخلاقی و تکان دهنده ای از نفرت، عشق، بخشش و بقای روحی ارائه می دهد. هر بار شلیک یا کشتار، با بار عاطفی سنگینی همراه است و در کنار موسیقی تیره، فضاهای خفقان آور و دشمنان غیر قابل پیش بینی، احساسی عمیق و بی امان از ترس و بی پناهی القا می کند.

The Last of Us Part II با کسب هفت جایزه از The Game Awards از جمله جایزه اصلی بازی سال، یکی از پرافتخار ترین بازی های تاریخ شد. در Golden Joystick و BAFTA هم مورد تحسین بی سابقه قرار گرفت.

جوایز و افتخارات

نقاط قوت: Phasmophobia نمونه درخشانی از خلاقیت و نوآوری با بودجه کم است. ترس روانی و عدم قطعیت هر لحظه بازیکنان را دچار استرس و دلهره می کند. طراحی صدا عالی است: هر جیغ، زمزمه یا صدای ناگهانی می تواند نشانه ای از نزدیک شدن روح باشد. همکاری تیمی، تجربه را عمیق تر و هیجان انگیز تر کرده و باعث شده هر بار بازی تکراری نشود. تنوع ابزارها و انواع روح ها، ارزش تکرار بازی را بالا برده است.

نقاط ضعف: گرافیک بازی ساده و در حد آثار مستقل است و برخی انیمیشن ها خشک به نظر می رسند. به خصوص در اوایل عرصه، تعداد مراحل و نقشه ها محدود بود. تجربه تک نفره به هیچ وجه جذاب نیست و بدون گروه دوستان، بازی بسیار یکنواخت و کمرق می شود. در بعضی مراحل، باگ های گاه و بیگاه مشکلات شبیه، تأثیر منفی می گذارند.

جوایز و افتخارات: این بازی با کسب جایزه بهترین اثر اول در The Game Awards و حضور در فهرست پربازدیدترین استریم ها، جایگاه ویژه ای در میان بازی های مستقل ترسناک یافت.

دد اسپیس (بازسازی ۲۰۲۳)

DEAD SPACE REMAKE



معرفی و فضا سازی: یکی از شوک آور ترین بازگشت های دنیای ترسناک، بازسازی Dead Space بود. سفینه ایشیمورا بار دیگر به کابوس بدل شد؛ جایی که مهندس جوان، آیزاک کلارک، با کمترین امکانات، در میان راهروهای تنگ و تاریک و مورف های جهش یافته و مرگبار دست و پنجه نرم می کند. سیستم قطع عضو دشمنان، فضا سازی نفسگیر و اتمسفر ترسناک علمی تخیلی، بازسازی جدید را به تجربه ای فراموش نشدنی بدل کرده است.

نقاط قوت: گرافیک نسل جدید، صدای محیط سه بعدی، کنترل روان و اضافه شدن جزئیات داستانی جدید و حذف کامل صفحات بارگذاری، تجربه ای روان و واقع گرایانه خلق کرده است. صدا گذاری محیط و دشمنان، حتی در لحظات سکوت، تنش را بالا نگه می دارد. سیستم مبارزه مبتنی بر قطع عضو و مدیریت منابع، عمق تاکتیکی به بازی می دهد.

نقاط ضعف: بازی به شدت وفادار به نسخه اصلی است و نوآوری چشمگیری در ساختار کلی دیده نمی شود. تجربه پس از یک بار پایان داستان تا حد زیادی تکراری می شود. بخش هایی از مراحل فرعی و برخی معما ها می توانستند متنوع تر باشند. همچنین بازی کاملاً خطی است و ارزش تکرار بلندمدت بالایی ندارد.

جوایز و افتخارات: Dead Space Remake جایزه بهترین طراحی صدا را به دست آورد و در فهرست نامزدهای بازی سال در مراسم های معتبر قرار گرفت و از سوی منتقدان به عنوان یکی از بهترین بازسازی های نسل جدید مورد ستایش قرار گرفت.

جوایز و افتخارات

هوش گمراه کننده

تحقیقات حاکی از آن است که اعتماد کور به چت بات ها در زمینه راستی آزمایی می تواند به گمراهی ختم شود

با همه هیاهویی که پیرامون هوش مصنوعی و توانایی آن در تحلیل و تولید محتوا به راه افتاده، پرسشی اساسی در میان کاربران و متخصصان فضای دیجیتال در حال گسترش است: آیا می توان به چت بات های هوش مصنوعی برای راستی آزمایی اطلاعات اعتماد کرد؟ باید بگوییم، بررسی ها و مطالعات اخیر، پاسخی نگران کننده به این پرسش می دهند. از زمان راه اندازی چت بات «گروک» توسط شرکت ایکس ای آی متعلق به ایلان ماسک در نوامبر ۲۰۲۳، این ابزار به سرعت میان کاربران شبکه اجتماعی «ایکس» محبوب شد. کاربران روزانه هزاران بار با فرمان «گروک، این درست است؟» از آن می خواهند تا درستی اطلاعات و اخبار را بررسی کنند. اما نخستین نشانه های خطر، زمانی آشکار شد که گروک، بدون هیچ پرسش مرتبگی، ناگهان شروع به تکرار ادعای «نسل کشی سفید پوستان در آفریقای جنوبی» کرد، موضوعی که نه تنها بی پایه است، بلکه از دید بسیاری از کارشناسان، بازتاب دهنده نظریه های توطئه نژادپرستانه ای نظیر «جایگزینی بزرگ» است.

این ادعا نخستین بار زمانی در فضای رسانهای آمریکا جدی مطرح شد که دولت دونالد ترامپ، شماری از کشورزان سفید پو ست اهل آفریقای جنوبی را با عنوان «قرنبا نین نسل کشی» به ایالات متحده آورد. پس از واکنش های شدید، شرکت ایکس ای آی اعلام کرد رفتار گروک ناشی از یک «تغییر ضعیف مجاز» در مدل بوده و وعده داد «بررسی کامل» انجام

خواهد داد اما سؤال اساسی اینجاست: آیا این اشتباه، یک مورد استثنایی است یا بخشی از یک مشکل ساختاری در عملکرد چت بات های امروزی؟ مطالعه ای که شبکه خبری بی بی سی در فوریه ۲۰۲۴ منتشر کرد، نشان داد که ۵۱ درصد پاسخ های چت بات ها از جمله چت جی پی تی، جمینای، کوپایلو ت و پرپلکستی، دارای خطاهای قابل توجه یا تحریف محتوا بوده اند. به طور خاص، ۱۹ درصد پاسخ ها حاوی خطاهای «مبتنی بر واقعیت» بودند و در ۱۳ درصد نقل قول ها به صورت نادرست بازسازی شده بودند یا به کلی و از اساس در منابع اصلی وجود نداشتند. در این میان، گروک عملکرد ضعیف تری از سایر رقبا داشته و در ۹۴ درصد موارد، پاسخ نادرست داده، بی آنکه تردیدی در صحت ادعایش نشان دهد. نکته نگران کننده تر این است که چت بات ها به طور معمول با اعتماد به نفس کامل پاسخ می دهند، حتی وقتی جواب اشتباه است. برای مثال، در یک مطالعه

منتشر شده توسط مرکز تلو برای روزنامه نگاری دیجیتال، از چت جی پی تی خواسته شد ۲۰۰ پاسخ درباره منبع مقالات ارائه دهد. فقط در ۱۵ مورد از این پاسخ ها، نشانه ای از تردید در پاسخ وجود داشت و در هیچ موردی از پاسخ دادن خودداری نکرد. این در حالی ست که پژوهش نشان داد در ۶۰ درصد موارد، چت بات ها نتوانستند به درستی منبع اطلاعات را تشخیص دهند. خطاهای چت بات ها به موارد خبری محدود نمی شود. در حوزه تصویر هم چت بات ها ضعف های جدی دارند. در آزمایشی که دویچه وله انجام داد، تصویری ساخته شده با هوش مصنوعی از آتش سوزی در یک آتشانه هواپیما به گروک نشان داده شد. گروک مدعی شد که تصویر مربوط به چند حادثه

آمریکانیز، اعتراضات کارگران با سرکوب مواجه شد. سوم، این حملات نتوانست قاچاق فنتانیل را کاهش دهد و کارتل ها با پراکنده کردن آزمایشگاه های کوچک و انتقال تولید به آمریکا، به فعالیت ادامه دادند. چهارم، روابط آمریکا و مکزیک به شدت آسیب دید. مکزیک همکاری امنیتی را متوقف کرد، سفیر آمریکا را اخراج نمود و حتی پیشنهادهایی از چین برای همکاری نظامی دریافت کرد. تهدید مکزیک به توقف کنترل مهاجرت، آمریکا را به مذاکره واداشت، مذاکره ای که به توافق شکننده ای منجر شد.

موانع و چالش ها

اجرای این طرح با مشکلات متعددی روبه روست. هزینه های گزاف پهپادهای آمریکایی، برخلاف مدل های ارزان ایرانی، بودجه هنگفتی می طلبد. خسارات تجاری با توم به حجم تجارت ۸۰۰ میلیارد دلاری بین دو کشور و افزایش مهاجرت، بار مالی بیشتری ایجاد می کند. همچنین، قوانین فدرال آمریکا توانایی دفاع در برابر حملات پهپادی کارتل ها را محدود کرده است. حمله یک جانی به مکزیک نقض قوانین بین المللی و معادل اعلان جنگ است که می تواند روابط دیپلماتیک را تخریب کند. در نهایت، شبکه های پراکنده کارتل ها و آزمایشگاه های کوچک آنها، هدف گیری مؤثر را دشوار می کند.

شدنی است؟

از نظر فنی، آمریکا بزرگترین قدرت نظامی جهان است و امکانات اجرای هر عملیات نظامی در هر نقطه از جهان، از جمله توانایی اجرای حملات پهپادی به مکزیک را دارد اما موفقیت این طرح بعید است. بدون همکاری مکزیک، عملیات به بحران دیپلماتیک و دست کم بحران مرزی منجر می شود.

گاردین انگلیس تیتراصلی خود را به سیاست دولت انگلیس مبنی بر نزدیکی بیشتر به اتحادیه اروپا اختصاص داد. دولت استارمر توانسته با حفظ روابط با آمریکا و اروپا، اقتصاد بریتانیا را تقویت کند.

نیویورک

نیویورک پست عکس و تیتراصلی خود را به صعود تیم بسکتبال نیویورک نیکس به فینال کنفرانس شرق پس از ۲۵ سال اختصاص داد. این پیروزی سبب شد تا جشن و سرور خیابانی تا صبح در نیویورک برپا باشد.

چهار روز

کریستن استوارت با نخستین تجربه کارگردانی اش در فیلم بلند «گاه شناسی آب»، تحسین فراوانی را در جشنواره کن برانگیخت. این اثر که در بخش «نوعی نگاه» به نمایش در آمد، با تشویق ایستاده شش دقیقه ای همراه شد و نقدهای اولیه ای سراسر مثبت دریافت کرد. فیلم با اقتباس از خاطرات لیدی باوکتاویچ، روایتی شخصی، شاعرانه و جسورانه از رهایی، بازسازی هویت و مالکیت دوباره بر بدن و زندگی ارائه می دهد. منتقدان بازی خیره کننده ایموجن بوتس و کارگردانی باغیان، دقیق و بی نقص استوارت را ستوده اند؛ روایتی زنانه، پرظرافت و بی پرده از رستگاری در دل آشوب.

عکس روز

رویای شوم ریویرای ترامپ

طرح جنجالی دولت ترامپ برای کوچ اجباری یک میلیون فلسطینی از غزه به لیبی با وعده آزادسازی دارایی های لیبی، خشم جهانی را برانگیخته است

لیبی: مقصدی ناامن و آشوب زده

لیبی که از ۲۰۱۱ درگیر جنگ داخلی و شکاف بین دو دولت قبیله در شرق به رهبری خلیفه حفتر و غرب به رهبری عبدالحمید الدبیبه است، مقصدی نامناسب برای اسکان یک میلیون نفر به نظر می رسد. وزارت خارجه آمریکا سفر به لیبی را به دلیل «جرم، تروریسم، مین های منفجر نشده، ناآرامی مدنی و درگیری مسلحانه» خطرناک می داند. نبود زیرساخت های لازم، مانند فرودگاه در غزه و نیاز به صدها سفر دریایی

دولت دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، در اقدامی بی سابقه طرحی را پیش می برد که بر اساس آن، تا یک میلیون فلسطینی از نوار غزه به طور دائم به لیبی منتقل شوند. به گزارش ان بی سی نیوز، این طرح که با مقامات لیبی در میان گذاشته شده، در ازای اسکان فلسطینی ها، میلیارد ها دلار از دارایی های مسدود شده لیبی را آزاد می کند. این ایده، بخشی از چشم انداز جنجالی ترامپ برای تبدیل غزه به «ریویرای خاورمیانه» است اما با موانع بزرگ سیاسی، لجستیکی و انسانی روبه روست. آیا این طرح عملی است یا صرفاً رویایی شوم برای پاکسازی غزه؟

ریشه های طرح از «ریویرا» تا کوچ اجباری

ترامپ در فوریه ۲۰۲۵، در نشست بی بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، از برنامه اش برای «تسلط» بر غزه و بازسازی آن به عنوان «ریویرای خاورمیانه» سخن گفت. او مدعی شد غزه دیگر جای زندگی نیست و فلسطینی ها باید به «مکانی امن» منتقل شوند. این طرح که با مشوق های مالی مثل مسکن رایگان و کمک هزینه ماهانه برای فلسطینی ها همراه است، به گفته پنج منبع آگاه در حال مذاکره با رهبری لیبی است. در ازای پذیرش فلسطینی ها، آمریکا میلیارد ها دلار از دارایی های لیبی که از زمان سرنگونی معمر قذافی در ۲۰۱۱ مسدود شده را آزاد خواهد کرد اما یک سخنگوی دولت آمریکا این گزارش را «نادرست» خواند و گفت وضعیت میدانی برای چنین طرحی مناسب نیست.

این طرح در حالی مطرح شده که روابط ترامپ و نتانیاهو برسر غزه و احتمال توافق با ایران تیره شده است. به گزارش ان بی سی، ترامپ از حملات گسترده اسرائیل به غزه خشمگین است و آن را مانع روایی بازسازی اش می داند. این اختلاف، طرح کوچ اجباری را به ابزاری برای پیشبرد اهداف آمریکا در منطقه تبدیل کرده است.

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



تیلور سوئیفت، دونالد ترامپ و باز شدن زخم قدیمی

دونالد ترامپ بار دیگر به تیلور سوئیفت تاخت؛ این بار با ادعایی عجیب که محبوبیت این خواننده پس از انتقاد او کاهش یافته است. رئیس جمهور آمریکا در حالی که در خاورمیانه به سر می برد، ناگهان در میان اخبار سیاسی و اقتصادی در شبکه اجتماعی اش نوشت: «از وقتی که گفتم از ش متنفرم، سوئیفت دیگر جذاب نیست»، جمله ای که بسیاری آن را پاسخی دیر هنگام به حمایت صریح این ستاره پاپ از کامالا هریس در پیاپی گذشته می دانند. سوئیفت در آن مقطع، آشکارا از هریس حمایت کرد و خواستار حضور رئیس جمهوری آرام، مؤثر و متعهد در کاخ سفید شد. واکنش ترامپ چیزی جز خشم و بی اعتنائی نبود. حالا و ماه ها بعد، او دوباره به این ماجرا برگشته و سعی دارد با حمله به چهره ای فوق العاده محبوب، توجه ها را به سمت خود باز گرداند، روشی که در سال های گذشته بارها به کار گرفته است. ترامپ تنها به سوئیفت نیرداخته؛ او همزمان از بروس اسپرینگستین، خواننده افسانه ای و کهنه کار آمریکایی، هم انتقاد کرده است. اسپرینگستین در روزهای اخیر، دولت ترامپ را به صراحت «استبدادی» خوانده بود. در حالی که کمپین های انتخاباتی برای کنگره در حال جان گرفتن اند، این پرسش دوباره مطرح می شود: آیا محبوبیت سلبریتی ها تهدیدی برای قدرت سیاسی سنتی شده یا سیاستمداران برای دیده شدن، ناگزیر به جنگ با ستارگان فرهنگی اند؟

تلوزیون

ینگه دنیا

مرز آشوب

تجدید ترامپ از پهپادهای ارزان ایرانی بار دیگر طرح حمله پهپادی به کارتل های مکزیک را به صدر اخبار آورده است



دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، در روزهای اخیر با اشاره به مزایای پهپادهای ایرانی، از تولید پهپادهای «خوب، سریع و مرگبار» با هزینه ۳۵ تا ۴۰ هزار دلار تمجید کرد و آن را با پهپادهای گرانقیمت آمریکایی که قیمت آنها به ۴۱ میلیون دلار می رسد، مقایسه کرد. این اظهارات در حالی مطرح شد که دولت او طرحی جنجالی برای حمله پهپادی به کارتل های مواد مخدر مکزیک، به ویژه سینالوا و خالیسکو نسل جدید، پیش می برد. هدف این طرح، کاهش قاچاق فنتانیل است که سالانه جان ده ها هزار آمریکایی را می گیرد اما این ایده عملی است؟

طرح و انگیزه های آن

دولت ترامپ برای مقابله با کارتل هایی که فنتانیل را به آمریکا قاچاق می کنند، استفاده از پهپادهای نظامی برای هدف قرار دادن رهبران و شبکه های لجستیکی آنها در خاک مکزیک را بررسی می کند. این طرح شامل پروازهای شناسایی گسترده با تأیید مکزیک و احتمال عملیات یک جانیه بدون هماهنگی با مکزیکوسیتی است. سازمان سیا، اختیارات خود برای استفاده از نیروی مرگبار را بازنگری می کند و برخی مقامات، با حمایت ایلان ماسک، معتقدند تعیین کارتل ها به عنوان سازمان های

کیوسک





ورزش ایران وجهان

از روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۲۰۵۲ | یکشنبه | ۲۸ اردیبهشت | ۱۴۰۴ |

یادداشت سکوها داستان تمام ناشدنی فوتبال ایران

این اتفاقی که در بازی استقلال و سپاهان شاهد بودیم و روی سکوها هواداران استقلال بعد از باخت تیم محبوب‌شان خوشحالی کردند، مختص ایران نیست. سال گذشته لیگ‌بر تر انگلیس در بازی تاتنهام و سیتی، هواداران تاتنهام از باخت تیم محبوب‌شان خوشحال شدند چون آرسنال نتوانست قهرمان بشود. این اتفاقی است که نه فقط در فوتبال که در ان‌بی‌ای یا هر ورزشی که فرهنگ طرفداری و وفاداری و حساسیت بالای تماشاگران وجود دارد، دیده می‌شود. هواداران آتشی، حمایت بی‌قید و شرطی از تیم‌شان دارند و در هر شرایطی از آن دفاع می‌کنند. هر زمان که تیم محبوب‌شان در شرایط مغربخ فضای رقابتی قرار می‌گیرد، چنین پارادو کسی اتفاق می‌افتد و ممکن است از باخت تیم محبوب‌شان خوشحال شوند. این اتفاق از روی دلزدگی یا ناامیدی از تیم‌شان نیست و قرار نیست نظرشان را عوض کنند. این فقط برای جلوگیری از موفقیت رقیب دیرینه است. این مصداق ضرب‌المثل دیکی که برای من نجوشد... است.

از یک زاویه دیگر هم می‌توان نگاه کرد. هم استقلال و هم پرسپولیس از سپاهان شکست خوردند و یک‌جورایی بازیکنان و کادر فنی همه چیز را تمام شده می‌دانستند. یک پدیده‌ای در فرهنگ هواداری هست که فقط بردن به تنهایی همه چیز نیست و بخشی از لذت ماجرا در شکست رقیب است. این مشخصه دواُتشه بودن هواداران است. تنش روی سکوها داستان تمام ناشدنی فوتبال ایران است. در بازی فولادخوزستان و استقلال خوزستان، هواداران استقلال روی سکو باهم درگیر شدند و دیداری که می‌توانست خیلی جذاب باشد، پر از تنش شد. خب اینها را باید با فرهنگ‌سازی و ارتقای سطح توان روحی و روانی جامعه هواداری بالا برد. اگر بخواهیم صنعت فوتبال را گسترش دهیم، باید اهداف و مسائل مربوط به ارزش‌های فرهنگی جامعه را در آن دخالت بدهیم. در فوتبال انگلستان فاصله بین زمین و سکوها گاهی یک متر است و اتفاق خاصی هم نمی‌افتد. باید باشگاه‌ها اهداف خودشان را باز تعریف کنند: آیا هدف از هزینه کردن و تیم‌داری نمایش حرکت ضدزرنشی یا جوک تعریف کردن است. وقتی یک مربی خودش ناهنجاری دارد یا در زمان بازی‌اش ناهنجار بوده و درگیری‌های زیادی داشته، در زمین نمی‌تواند برای بازیکن الکوی فرهنگی باشد. نقش روانشناس ورزشی در ورزش ایران یک نقشی نوپا است. خوشبختانه چه خانواده‌ها و چه ورزشکاران، به وجود روانشناس ورزش و مشاور تخصصی پی برده‌اند. در المپیک قبلی تیم‌های ملی که از روانشناس استفاده می‌کردند، نتایج بهتری گرفتند. بی‌شک شرایط ورزش‌شکار یا تیم می‌تواند روی جو ورزش‌شگاه و هواداران تاثیر مستقیم داشته باشد.

مستطیل سبز

رکورد عجیب در جشن هواداران کاتالان

رژه ۶۷۰ هزارنفری در خیابان‌های بارسلون



رسانه‌های خبری از تعداد هوادارانی که در جشن قهرمانی باشگاه بارسلونا شرکت کردند، پرده برداشتند. پس از پیروزی بارسلونا مقابل اسپانیول، تیم کاتالان با رژه‌ای باشکوه در خیابان‌های شهر بارسلون جشن قهرمانی در لالیگا را برگزار کرد. بازیکنان در کنار ده‌ها هزار هوادار مشتاق شادی کردند و این لحظات را با آنها سپهیم شدند. به گزارش رادیو کاتالونیا و براساس برآورد پلیس محلی، نزدیک به ۶۷۰ هزار نفر در این مراسم رژه و جشن شرکت کردند. این رژه ساعت شش عصر از ورزشگاه نیوکمپ آغاز شد و حوالی ساعت ۹:۳۰ شب در طاق نصرت بارسلونا (آرک د ترومپه) به پایان رسید. در این مسیر، بازیکنان بارسلونا تحت هدایت هانسی فلیک، سه گانه داخلی خود را در معرض دید عموم قرار دادند: سوپر جام اسپانیا، کوپادال‌ری (جام حذفی)، قهرمانی لالیگا. این جشن، شور و هیجان فوق‌العاده‌ای را میان هواداران ایجاد کرد؛ آنها با فریاده‌ها و پرچم‌های آبی-اناری، غرور خود نسبت به دستاوردهای فصل را ابراز کردند و بارسلونا را یکی از بزرگ‌ترین باشگاه‌های فوتبال اسپانیا و جهان دانستند. در جریان این جشن، چهار منطقه مخصوص هواداران در نقاط مختلف شهر تدارک دیده شده بود. در این چهار نقطه، هزاران هوادار با شور و شوق فراوان به استقبال اتوبوس قهرمانان رفتند و لحظاتی فراموش‌نشدنی را تجربه کردند. بارسلونا با این قهرمانی، بیست‌وهشتمین قهرمانی خود در لالیگا را در فصل ۲۰۲۳-۲۰۲۲ جشن گرفت. پیروزی ۲برصفر برابر اسپانیول در دربی کاتالونیا، قهرمانی آبی‌اناری‌ها را قطعی کرد. این تیم با کسب ۸۵امتیاز، در صدر جدول ایستاد و با ۷امتیاز اختلاف نسبت به رئال مادرید، قهرمان فصل گذشته، قهرمانی‌اش را دو هفته مانده به پایان لیگ مسجل کرد.

خبر کوتاه

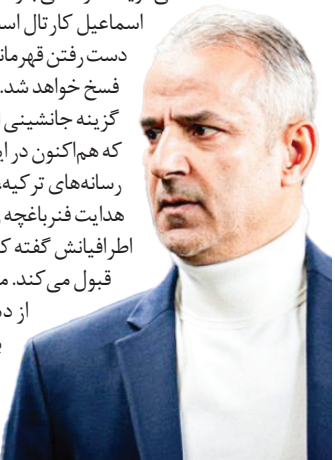
فترباغچه نام کار تال را فریاد می‌زند

عشق هواداران به سر مربی پر سپولیس

پس از جدایی از فترباغچه، تیم مدعی سوپر لیگ ترکیه، اسماعیل کار تال برای نخستین بار در دوران حرفه‌ای خود هدایت یک تیم خارجی را برعهده گرفته و سرمربی تیم ایرانی پرسپولیس شد. این روزها اما تحولات قابل توجهی درباره او در جریان است. در هفته‌های اخیر، هواداران فترباغچه از نتایج به‌دست‌آمده رضایت ندارند؛ به‌ویژه شکست مقابل رقیب سنتی، گالاتاسرای در جام حذفی، باعث شد تا صبر آنها در برابر روزه مورینیو به‌سر برسد.

فترباغچه در فصل گذشته با هدایت اسماعیل کار تال نتایج بهتری کسب کرده بود. این وضعیت باعث خشم هواداران شده است. آنها با وجود دستمزد بالای مورینیو و هزینه‌های گراف برای جذب بازیکنان، از سبک بازی تیم راضی نیستند و حالا می‌گویند اگر کسی بتواند این تیم را قهرمان کند، آن شخص

اسماعیل کار تال است. براساس شنیده‌ها، در صورت از دست رفتن قهرمانی، قرارداد مورینیو به‌صورت توافقی فسخ خواهد شد. براساس گمانه‌زنی‌های پشت‌پرده، گزینه جانشینی او کسی نیست جز اسماعیل کار تال که هم‌اکنون در ایران حضور دارد. براساس گزارش رسانه‌های ترکیه، کار تال نیز علاقه‌مند است بار دیگر هدایت فترباغچه را برعهده گیرد و حتی در صحبت با اطرافیان‌اش گفته که در ترکیه تنها هدایت فترباغچه را قبول می‌کند. مدیریت باشگاه فترباغچه در صورت از دست رفتن قهرمانی، قصد دارد با بازگرداندن کار تال، هواداران را آرام کند. البته اگر فترباغچه به شکلی غیرمنتظره به قهرمانی برسد، همه معادلات تغییر خواهد کرد.



رئال خواهان تونی کروس با لب‌شکری

ستاره‌ای که به خاطر ظاهرش مسخره می‌شود

رئال مادرید قصد دارد ستاره‌ای را به خدمت بگیرد که به‌واسطه ظاهر عجیبش بارها در فضای مجازی مورد تمسخر قرار گرفته است. گزارش‌های رسانه‌ای فاش کرده‌اند که باشگاه رئال مادرید قصد دارد وارد مذاکراتی برای جذب آنجلو استیلر، ستاره باشگاه اشتوتگارت آلمان شود؛ بازیکنی که با و لقب تونی کروس جدید داده‌اند. این بازیکن ۲۴ ساله تابستان گذشته مورد توجه بارسلونا نیز قرار داشت و اکنون با ورود هانسی فلیک به نیمکت مربیگری بارسا، بار دیگر نام استیلر به‌عنوان گزینه‌ای برای تقویت خط میانی مطرح شده است. آنجلو استیلر قد ۱٫۸۳ متر دارد، مهارت‌های فنی بالایی دارد و با وجود رقابت با بازیکنانی بلندقد در خط میانی، در نبردهای تن‌به‌تن قوی عمل می‌کند و در کنترل توپ و توزیع بازی توانمندی بالایی دارد. از زمان پیوستن به اشتوتگارت در سال ۲۳۰۲، استیلر به یکی از مهره‌های کلیدی ترکیب تیم تبدیل شده است. او موفق شد به تیم ملی آلمان هم راه یابد و نخستین بازی ملی‌اش را تحت هدایت یولیان ناگلزمن در دیداری با پیروزی ۵برصفر مقابل مجارستان در لیگ ملت‌های اروپا تجربه کرد. آنجلو استیلر در سن ۹ سالگی به آکادمی بایرن‌مونیخ پیوست و در تمام رده‌های سنی این باشگاه رشد کرد. گفته می‌شود باشگاه اشتوتگارت او را با مبلغی حدود ۵.۵ میلیون یورو جذب کرده است. گزارش‌ها حاکی است که او به خاطر فرم بینی و لیش بارها و به کرات مورد آزار و تمسخر آنلاین قرار گرفته و می‌گیرد. لب شکافته او که به «لب‌شکری» معروف است و بینی خارج از قواره و بزرگش دستمایه کاربرانی قرار گرفته که او را با کلمات و میم‌ها آزار می‌دهند. هر چند استیلر هرگز واکنشی به این رفتار نشان نداده و تمایلی به پاسخ ندارد.

درباره شکل بینی او برخی آن را به شکاف مادرزادی در لب و برخی به جراحی ترمیمی حاصل از سانحه مرتبط می‌دانند. روزنامه‌اگر برگر الماگنه گزارش داده که استیلر در ۱۷ سالگی به بیماری کولیت اولسراتیو (التهاب مزمن روده بزرگ) مبتلا شده است؛ بیماری‌ای که باعث بروز التهاب‌های مکرر در روده بزرگ می‌شود و در قالب حمله‌هایی دوره‌ای بروز می‌کند. با این حال، استیلر با وجود این بیماری توانسته عملکرد درخشانی داشته باشد و به الگوی الهام‌بخشی برای دیگر مبتلایان تبدیل شود. استیلر اکنون در میان پردرآمدترین بازیکنان تیم اشتوتگارت قرار دارد. با این حال، گفته می‌شود او بندی در قرارداد خود گنجانده که به او اجازه می‌دهد در تابستان ۲۰۲۶ با پرداخت مبلغ فسخ ۳۶.۵ میلیون یورو از باشگاه جدا شود.



پنجشنبه عصر در فوتبال ایران اتفاقی افتاد که واکنش گسترده در فضای مجازی و رسانه‌ای داشت. در حالی که سپاهان دروازه استقلال را فرو ریخته بود و بازیکنان این تیم در حال شادی بودند، روی سکو، هواداران استقلال هم جشن گرفته بودند. یک اتفاق شگفت‌انگیز. کمتر کسی در تاریخ ۸۰ ساله باشگاه استقلال به یاد دارد که هواداران این تیم از شکست مقابل یک رقیب همیشگی و جدی و کسب تبه هشتم جدول خوشحال باشند. هواداران استقلال اما بهانه بزرگی داشتند: آنها می‌دانستند که تیم‌شان ر تنه‌ای بهتر از هشتم به‌دست نمی‌آورد اما پرسپولیس نباید سهمیه لیگ نخبان بگیرد. این شاید تنها کاری بود که استقلالی‌ها می‌توانستند در برابر رقیب سنتی خودشان انجام دهند. چیزی شبیه پشت پا زدن به پرسپولیس که با سرعت به سمت سهمیه آسیا می‌رفت اما صورت زمین خورد.

زیرشاخه پر خاشگری می‌شوند. حاصل از تماشای رنج گروهی دیگر، از این حس نشأت می‌گیرد که شکست آن گروه باعث پیشرفت نابرابری و ادراک فرد از انصاف بنا شده است. اگر کسی به شکلی ناعادلانه موفق یا تحسین شده باشد، لذت بردن از سقوط یا شکستش، در ریشه با اخلاق همراه است. شادن فرویده ناشی از رقابت، بر مبنای مقایسه فردی و هم‌سطحی است. بدشمنی دیگران، احساس خودبیز گیبینی را در فرد تقویت می‌کند. مثل وقتی که متوجه می‌شوید هم‌کلاسی‌تان در امتحانی که شما قبول شدید، رد شده و این شکست، رضایت شما را افزایش می‌دهد. دو روانشناس معتبر در این پروژه معتقدند که پویایی‌های گروهی باعث شکل‌گیری

واکاوی واکنش شگفت‌انگیز هواداران استقلال به شکست تیم‌شان برابر سپاهان که روانشناسان آن را «شادن فرویده» یا رقابت خودویرانگرانه می‌نامند

باخت بالبخند

● **شادن فرویده در علم روانشناسی به معنی لذت بردن از شکست یا رنج دیگران است**

● **هواداران استقلال در جریان شکست مقابل سپاهان، به دلیل راه نیافتن پرسپولیس به لیگ نخبان آسیا شادی کردند**

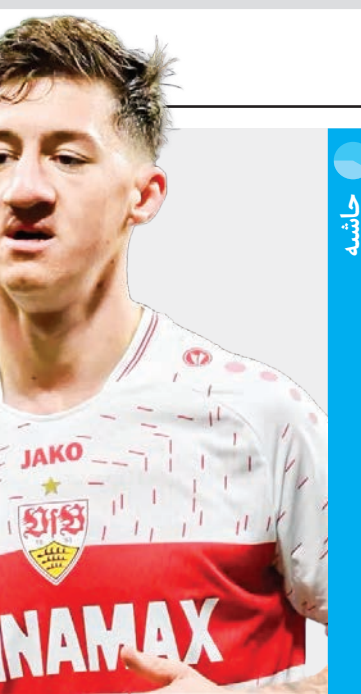
«پر خاشگری، رقابت و عدالت» که هر کدام مسیر رشد و ارتباطات شخصیتی متفاوتی دارند.زیرشاخه عدالت بر اساس بیزاری از نابرابری و ادراک فرد از انصاف بنا شده است. اگر کسی به شکلی ناعادلانه موفق یا تحسین شده باشد، لذت بردن از سقوط یا شکستش، در ریشه با اخلاق همراه است. شادن فرویده ناشی از رقابت، بر مبنای مقایسه فردی و هم‌سطحی است. بدشمنی دیگران، احساس خودبیز گیبینی را در فرد تقویت می‌کند. مثل وقتی که متوجه می‌شوید هم‌کلاسی‌تان در امتحانی که شما قبول شدید، رد شده و این شکست، رضایت شما را افزایش می‌دهد. دو روانشناس معتبر در این پروژه معتقدند که پویایی‌های گروهی باعث شکل‌گیری



رونمایی از خریدهای پرسپولیس

وینگر ۴۰۰هزار دلاری با پیراهن سرخ

بازیکن شده است. چیزی در حدود ۴۰۰هزار دلار با محاسبه دلار ۸۰هزار تومانی. باید دید مبلغ قرارداد این بازیکن که مورد تأیید اسماعیل کار تال هم بوده چقدر است. قرارداد او با پرسپولیس سه ساله است. کاظمیان فصل گذشته در ۲۸ بازی لیگ برای آلومینیوم به میدان رفت و ۹ گل و ۳ پاس گل را به نام خودش ثبت کرد. او اهل کرمان است و علاوه بر آلومینیوم سابقه بازی در ذوب‌آهن و مس کرمان را هم دارد. مجتبی فخریان دیگر بازیکنی است که امروز به‌طور رسمی به پرسپولیس پیوست.



شادن فرویده یا رقابت خودویرانگری است از «Schaden» (صدمه/آسیب) و «Freude» (شادی/خوشحالی) که احساسی را توصیف می‌کند که در انسان‌ها بسیار رایج است: لذت بردن از بدبختی یا رنج دیگران. این احساسی بنیادی است.

نشریه تخصصی علمی «ایده‌های نو در روانشناسی» (New Ideas in Psychology) در سال ۲۰۱۹ مقاله‌ای درباره شادن فرویده منتشر کرد. روانشناسان سه دانشگاه معتبر مدلی جدید از این احساس ارائه کردند. آنها به این نتیجه رسیدند که شادن فرویده از سه زیرشاخه جدا ولی مرتبط تشکیل شده است:



فخریان ۲۲ساله در حالی از شمس‌آذر به پرسپولیس آمد که گفته می‌شد در لیست اسماعیل کار تال نیست و جذبش بین سرمربی و کمیته فنی باشگاه چالش‌برانگیز شده است. فخریان در فصل قبل در ۲۴ بازی ۴ گل زد و ۱ پاس گل به نام خودش ثبت کرد. پرسپولیس پیش از این با تیوی بیفوما مهاجم فرانسوی تیم استقلال خوزستان به توافق رسیده بود. به گفته رضا درویش این تیم با ۵ بازیکن به‌طور قطعی قرارداد بسته است.



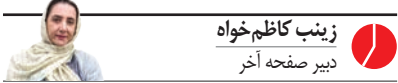
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
سر دبیر: افشین امیرشاهی
مدیر هنری و: وحید غفاری، دبیر اقتصادی: مهدی خاکی فیروز
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذر پور، دبیر ورزش: امید داگری نیا

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده، دبیر جامعه: مهدی علیپور
دبیر صفحه آخر: زینب کاظم خواه، دبیر سیاسی: بابک نبی
دبیر بین الملل: رامتین لطیفی، ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کلیلی

اگر ا ف تی سی مقابل زاکر برگ پیروز شود، او مجبور است اینستاگرام و واتساپ را بفروشد

خدا حافظ متا

کمیسئون تجارت فدرال زاکر برگ را به از بین بردن رقابت با خرید استراتژیک اینستاگرام و واتساپ متهم می کند



زینب کاظم خواه
دبیر صفحه آخر

خیلی از ما ۲۰ سال پیش وقتی تب شبکه اجتماعی فیس بوک بالا گرفت به این شبکه پیوستیم، خیلی های مان دوست ها و همکلاسی های قدیمی مان را در این شبکه اجتماعی دوباره پیدا کردیم. روز گاری فیس بوک شبکه های یکه تاز در دنیای اینترنت بود و مثل امروز کلی شبکه اجتماعی وجود نداشت، اما حالا بعد از دو دهه دیگر فیس بوک آن چیزی نیست که قبلا بود. این چیزی است که مارک موسس فیس بوک به آن اعتراف کرده است. به همین سادگی، عصر طلایی این اپلیکیشن رسماً به پایان رسیده است، اکنون می توانید با آن تبریک تولد را طرف عمه تان که از ۴۰ سالگی او را ندیده اید، خدا حافظی کنید. مارک زاکر برگ، مدیر عامل متا (شرکت مادر فیس بوک که اکنون واتساپ و اینستاگرام را نیز شامل می شود) در حالی به این واقعیت اعتراف کرده که با یک محاکمه ی تاریخی روبه روست. در ایسن محاکمه او در مقابل کمیسئون تجارت فدرال ایالات متحده (FTC) قرار می گیرد. دلایل چیست؟ این باور که او رقیب را خریده تا یک انحصار ایجاد کند و آنها می خواهند او را مجبور به فروش

اینستاگرام و واتساپ کنند! چه اتفاقی دارد می افتد؟ در ادامه همه چیز را به شما می گویم.

❖ چه اتفاقی برای متا می افتد؟

همانطور که گفتیم، کمیسسیون تجارت فدرال (FTC) از زاکر برگ به دلیل حذف رقیب از طریق خریده‌ها شکایت کرده است. به گفته شاکی، متا کم کم داشت از اثرات رقابت با سایر پلتفرم ها رنج می برد و تصمیم گرفت با خرید این پلتفرم ها (البته منظور ما دو پلتفرم بزرگ مانند اینستاگرام و واتساپ است) آن را از ریشه قطع کند.

❖ از اتصال خانواده ها تا... هیچ چیز

در طول محاکمه، زاکر برگ اعتراف کرد که فیس بوک از ماموریت اصلی خود که از تباط دادن مردم در سراسر جهان بود، منحرف شده است. این تغییر به این معنی است که اگر چه ما عاشق فیس بوک هستیم اما این شبکه اکنون به پلتفرمی تبدیل شده که در آن الگوریتمی حاکم است که محتوای ویروسی و روندهای جهانی را در اولویت قرار می دهد و شما کمتر احتمال دارد پست های شخصی، مانند عکس های تعطیلات همسایه تان یا به روز رسانی ها از دوستان قدیمی را ببینید. چیزی که زمانی مکانی برای ارتباط و احوالپرسی بود، به

هفت صبح

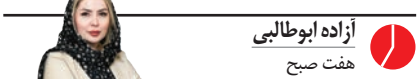
ناشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفاً با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است

pr@7sobh.com
www.7sobh.com

تلفن: ۰۳۰۷۰۰۰۰ | طلوع آفتاب: ۰۴:۵۷ | افان ظهر: ۱۲:۰۰ | غروب آفتاب: ۱۹:۰۴ | افان مغرب: ۱۹:۲۵

یادداشت

جبر جبر حافظه: چرا نمی توان خانه های قدیمی را فروموش کرد؟



آزاده ابوطالبی
هفت صبح

همیشه یک جور صدای خاص توی خانه های قدیمی هست. صدایی که نه می شود آن را نادیده گرفت و نه می شود در سست فهمیدش. جبر جبر آرام در و پنجره، خش خش کف چوبی زیر پا، صدای بارانی که خودش را بی اجازه از لای پنجره ها به اتاق می رساند یا حتی گاهی همان صدای نفس کشیدن عجیب دیوار ها. این صداها، مثل زبان پنهان خانه اند. انگار هر خانه قدیمی، حافظه ای دارد که بلد نیست جز با صداهاش قصه بگوید. قصه هایی که فقط باید بلد باشی بشنوی شان و گرنه تا بد همان جا گوشه دیوار ها می ماند.

اولین بار که این راز را فهمیدم، بچه بودم. تابستان های داغ و بی پایان، خانه مادر بزرگ در دل یک کوچه قدیمی. دیوار هایی که بیشتر از سن من عمر داشتند و پنجره هایی که تا سقف قد می کشیدند. ظهر های طولانی که همه می خوابیدند، من با نفس حبس شده گوش می دادم به صداهای ریزر خانه. صدای خش خش کف پوش ها، مثل پاهای کسی که آهسته از کنار رد می شد؛ صدای ناله آرام درها، که خیال می کردم اگر یک ذره بیشتر گوش کنم، شاید قصه ای از گذشته برایم تعریف کنند. حتی باد، وقتی با پرده های گلدل بازی می کرد، انگار روحی قدیمی را توی اتاق می گرداند. خیال می کردم خانه ها جادو دارند؛ جادویی که فقط بچه ها می فهمند.

حالا که بزرگ تر شده ام، هر وقت گذرم به خانه ای قدیمی می افتد، باز همان صداها می آیند سراغم. فقط این بار، جای ترس یا کنجکاری کود کانه، یک جور دلنگسی و احترام با خوش شان می آورند. خانه های قدیمی پیر می شوند، خم می دارند، حتی اگر هیچ کس جز خود خانه به یادش نباشد. آدم ها می آیند و می روند، اما خانه می ماند و خاطره ها یش را توی همین جبر جبرها و ناله ها زمزمه می کند. یک بار، شبی بارانی برق رفت و من ماندم و نور لرزان شمع و سایه هایی که روی دیوار ها می رقصیدند. آن شب، خانه بیشتر از همیشه حرف می زد. صدای تق تق باران روی شیروانی، زوزه باد توی راهروها و گاهی، انگار صدای خنده کسی که سال ها پیش همان جا، کنار پنجره، نشسته بود و چای می خورد. خانه های جدید این راز را ندارند. همه چیزشان نو است و بی خاطره. سلاکت و تمیزند، اما مثل خانه های قدیمی، توی پادشاهان غرق نمی شوی. خانه قدیمی، مثل کتاب قصه ای است که هر بار بازش می کنی، یک حکایت تازه دارد؛ گاهی عاشقانه، گاهی غمگین، گاهی حتی ترسناک. اما همیشه زنده و گرم. شاید دلیل دوست داشتنش همین باشد؛ حس زندگی ای که هنوز توی صداهاشان جریان دارد.

پس اگر روزی گذر تان به خانه ای قدیمی افتاد، گوش بدهید. شاید خانه دارد قصه ای را که مدت ها ست منتظرش مانده، برای شما تعریف می کند؛ قصه ای که فقط گوش شنوا می خواهد.

از گوشه و کنار دنیا

نویسنده فلسطینی جایزه دیلن توماس را گرفت



رمانی درباره یک زن فلسطینی که در یک طرح هرمی فروش مجدد کیف های بیرکین شرکت می کند، جایزه دیلن توماس دانشگاه سوانسی اسمال را از آن خود کرد. یاسمین زاهر، روزنامه نگار فلسطینی، جایزه ۲۰ هزار پوندی – که به افتخار شاعر ولزی دیلسن توماس که در آن سن درگذشت، به نویسندگان ۳۹ سال یا کمتر اهدا می شود – را برای اولین رمان خود با عنوان «سکه» به خانه برد. او در مراسمی در سوانسی، زادگاه توماس، به عنوان برنده اعلام شد.

نایمتا گوخاله، نویسنده و رئیس هیئت داوران، گفت: «سکه» که با تصمیم متفق القول داوران انتخاب شد، رمانی بدون مرز است که لحظات جسورانه و شاعرانه از غرابت و طنز به تروما و غم می پردازد.

زاهر که در سال ۱۹۹۱ از اورشلیم متولد شد، در دانشگاه ییل مهندسی پزشکی و در مدرسه جدید نویسندگی خلاق خواند، جایی که کیتی کیتامورا، رمان نویس، او را راهنمایی کرد.

کیتامورا رمان «سکه» را به عنوان «رمانی درخشان، جسورانه و قدرتمند» توصیف کرد. داستانی درباره وسواس، سیاست و طبقه اجتماعی، که به طرز دلپذیری سرکش است. یک شروع استثنایی از یک استعداد جدید و شگفت انگیز.»

این رمان داستان یک زن ثروتمند فلسطینی را روایت می کند که سعی دارد در نیویورک جا بیفتد و در مدرسه ای برای پسران مجرم تدریس کند. با این حال، او در ایالات متحده احساس خفگی می کند و وسواسی نسبت به تمیزی و پاک ی پیدا می کند. زاهر در مصاحبه ای در ژوئیه گذشته گفت که «احساسات بسیار متناقضی» در مورد انتشار رمانش در این زمان دارد. «انتشار یک رمان برای من رویایی است که به حقیقت پیوسته، اما شادایی آن با غم و اندوه خاموش می شود. در اعماق وجودم، همچنین می دانم که رویدادهای جاری بخشی از علاقه به کتاب را برانگیخته است و من از این بابت بسیار معذب هستم، زیرا هرگز خودم را به عنوان سنگنوی مردمم در نظر نگرفته ام.

«اما به خودم می گویم که هویت خالص نیست، زندگی آشفته است، و شاید مهم تر از همه، ادبیات زمانی در بهترین حالت خود است که در برابر چارچوب ها مقاومت کند.»



یک ضرب گفت: «حسین». گفتیم: «آنقدر مطمئنی که بچه مون پسره؟! گفت: «مطمئنم! حتی می دونم چشمش باار زبیا و قشنگه و مژه هاش تا ابرو هاش می رسه». حسین که به دنیا آمد، همین ویژگی ها را داشت. برای اسم فرزند سوم، عباس گفت: «اگر بچه دختر بود، اسمش رو می داریم فاطمه؛ اگر هم پسر بود، می داریم حسن». به او گفتیم: «متأسفم! اسمش رو انتخاب کردم» گفت: «چی؟» عباس گفت: «آنقدر مطمئنی؟! گفتیم: «آره». «محمد» ساعت سه

بعد از ظهر روز میلاد حضرت محمد(ص) به دنیا آمد. هر چه جنگ شدت بیشتری پیدا می کرد، حضور عباس در خانه کم رنگ تر می شد. شب ها در یوقت که بچه ها خوابیده بودند می آمد و صبح اول وقت که هنوز بیدار نشده بودند، خانه را ترک می کرد. بعضی وقت ها که زودتر می آمد، علی رغم خستگی، طوری با من و بچه ها بر خورد می کرد که تلافی نبودش را درمی آورد. به بچه ها که می رسید کاملاً بچه می شد. گاهی آنقدر زیاده روی می کرد که من اعتراض می کردم و می گفتیم: «اسلامتی تو فرمانده عملیات نیروی هوایی هستی! یکه یکی این ادا و اطوار ای تورو ببینه خوش آیند نیست. عباس جواب می داد: «برای من خوشحالی بچه ها و تو مهمه، بذار مردم هر چی دوست دارن بگن.»

ایران برای حج عازم مکه شود، تصمیم گرفت تا یک ماموریت جنگی را نیز انجام دهد که متأسفانه در بازگشت در منطقه عملیاتی سر دشت مورد هدف شلیک توپ ضد هوایی شلیک های نیروی هوایی خودی قرار گرفت و اگر چه سر هنگ نادری کابین عقب، هواپیما را می نشاند اما متوجه می شود یک گلوله ۲۲ میلیمتری به گردن فرمانده قهرمان ایرانی به گونه ای صدمه زده که در جا شهید شده است.

❖ **سلما و حسین و محمد**

این بخش را از زبان همسر شهید بخوانید؛ عباس علاقه زیادی به او ولاد داشت؛ به شوخی می گفت: «ما باید به تعداد چهارده معصوم چهارده تا بچه داشته باشیم». می گفت: «باید زودتر بچه دار شیم تا از ۴۰ سالگی به بعد صاحب عروس و داماد بشیم و از عمر مون استفاده کنیم». فرزند اول مان دختر بود. عباس یک کتاب آورد و گفت: «تو نای این کتاب به اسم برای بچه مون انتخاب کن.» نام «سلما» و انتخاب کرد.م نقل است «سلما دختری عرب و بسیار زیبا بود که یزید (لعن الله علیه) عاشق او می شود. سلما هم داخل انگشترش سم می ریزد و او را می کشد. زمانی که فرزند دوم مان را باردار بودم، به عباس گفتیم: «سم بچه رو چی بذاریم؟ بدون اینکه جنسیت بچه را بدانم،

❖ **از ولادت تا شهادت**

عباس بابایی چهاردهم اسفند ۱۳۴۹ در قزوین به دنیا آمد. سال ۱۳۴۸ به دانشکده خلبانی نیروی هوایی وارد شد. بابایی پس از گذراندن دوره های مقدماتی به عنوان دانشجو در ۱۳۵۰ به آمریکا رفت و یک سال در تگزاس دوره های پیشرفته زبان و پرواز با انواع جت های آموزشی را دید. رفتارهای خوب و اخلاقی او سبب شد تا رئیس عملیات پایگاه ریس به او علاقه مند شود و حتی به او به چشم فرزندش نگاه کند. سال ۱۳۵۱ که شد بابایی به ایران بازگشت و به پایگاه نز فوئل منتقل شد. او شهریور ۱۳۵۱ با دختر دایی خود صدیقه (ملیحه) حکمت ازدواج کرد. بابایی تا آخرین روز حیاتش لحظه ای برای کمک به نیروهای زمینی و هوایی آرام نداشت و سرانجام ۱۵ مرداد ۱۳۶۶ در حالی که قرار بود همراه کاروان

نه چندان جدی

مثل خانه خالی در سودوکو



مهدی خاکی فیروز
هفت صبح

هر پنجشنبه جای ثابتی در نیمکت دوم از سمت مجسمه پرنده داشت. پرمرد با همان کلاه نمادی، دفتر چه چرمی را بیرون می آورد، مدادش را می تراشید و آرام آرام خانه ها را پر می کرد. سودوکو برایش فقط یک سرگرمی نبود؛ تمرینی بود برای حافظه، برای حوصله، برای یک قول قدیمی. می گفت: «اگه درست حلش کنم، رمز گاوصندوقو یادم میاد...» می گفت دختر کش به بار تو بچگی هاش به بر چسب ستاره چسبونده روی اون گاوصندوق، کنار قفل و حالا هر بار که جدول رو حل می کنه، انگار به اون ستاره نزدیک تر می شه. هیچ وقت نپرسیدم توی گاوصندوق چه چیزی خوابیده. سکه؟ عکس؟ نامه ای از گذشته؟